



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی

سوم دبستان

۱۳۶۹



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ اسلامی
و
تعالیمات دینی

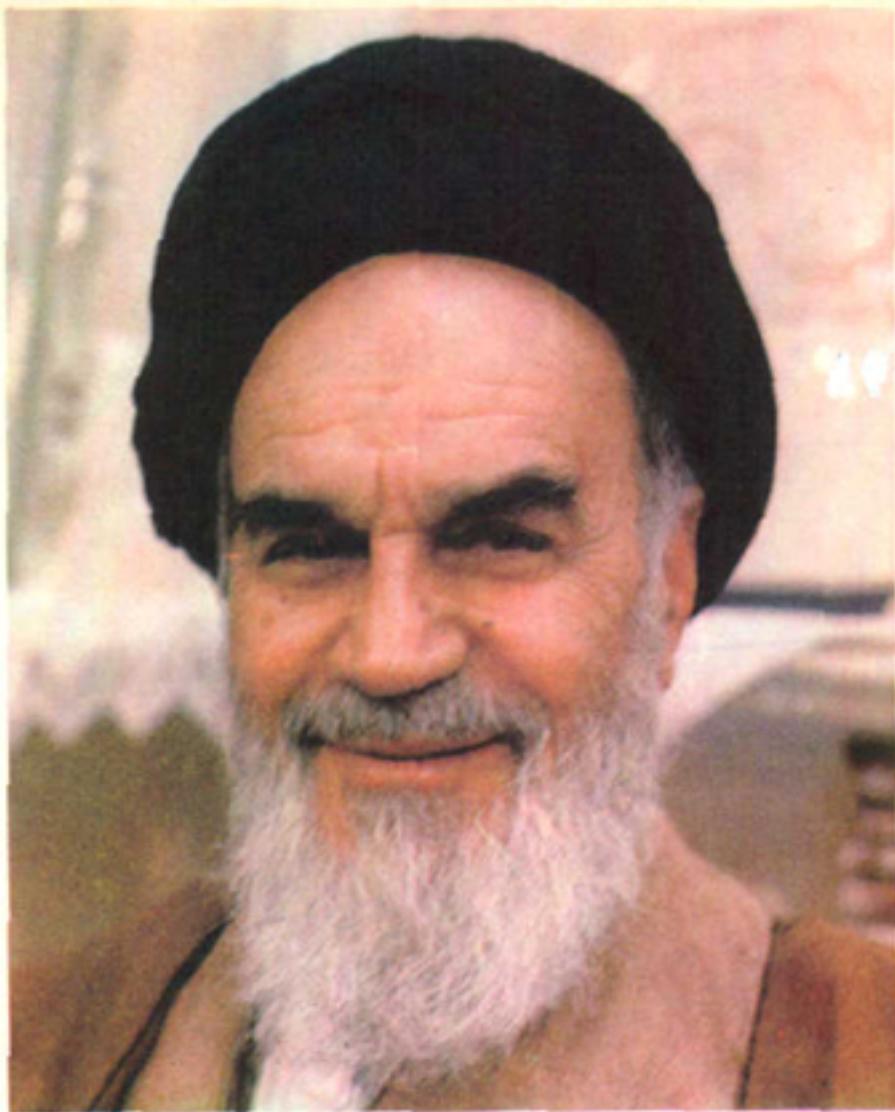
سوم دبستان

تألیف: ابراهیم امینی، سیدعلی اکبر موسوی حسینی، یا همکاری جمعی از دانشمندان

نقاشی از: منوچهر درفشه، اکبر چابک

اسلايدها از: محمد جواد تکریی کیان

صفحه آرایی از: نامید فاریان



این کودکها [را] که به دبستان می‌فرستید
عزیزان من و امید آینده مملکت هستند. امیدوارم
معلّمها و والدین در تربیت انسانی و اسلامی آنان
کوشش کنند.

امام خمینی (قدس سرہ الشریف)»

به نام خدا

آموزگار و مرتبی متعهد و گرامی!

هدف از تألیف این کتاب تنها انتقال یک سلسله مفاهیم و اصطلاحات دینی به ذهن دانش آموزان عزیز نیست. بلکه هدف اساسی پرورش صحیح روح و روان دانش آموزان و تکامل بخشیدن به زندگانی آنهاست. هدف این نیست که مطالب را طوطی وار از بر کنند و پاسخ دهند؛ بلکه هدف این است که عقاید و اخلاق صحیح دینی با ذاتشان درآمیزد و از عمق جانشان بجوشد.

ولی به خوبی آگاهیم که کتاب تنها، نمی تواند این هدف بزرگ را تأمین کند، لذا از همان آغاز تمام امیدمان به شما مریتان، آموزگاران متعهد و وظیفه شناس بوده و هست. این شما هستید که با گفتار و رفتار نیکتان می توانید این امانتهای گرانایه الهی یعنی کودکان را، به بهترین وجه پرورش دهید و انقلاب فرهنگی را هر چه بهتر به ثمر رسانید. این شما هستید که می توانید به پاس خون هزاران شهید و جانباز، برای رضای خدا به پا خیزید و اعتقادات گر اقدر اسلامی را در روح و روان کودکان استوار سازید و از کودکان امر روز شایسته ترین، دلیر ترین و درست کار ترین انسانهای فردا را پرورش دهید.

دانش آموزان را به دقیق خواندن درسها تشویق کنید. سعی کنید دانش آموزان مطالب را خوب بفهمند. به هنگام تدریس تنها شما متکلم نباشید بلکه دانش آموزان را نیز در بیان درس و نتیجه گیری به کمک بخواهید و آنان را یاری کنید تا پاسخ صحیح را خود بیابند. کودکان بر فطرت توحید و خداپرستی و بانهاد پاک آفریده شده اند. شما فطرتتان را بیدار سازید و روانشان را در جهت صراط مستقیم خداپرستی و توحید قرار دهید.

شما در نظر دانش آموزان و اولیای آنان از موقعیت ویژه ای برخوردارید. دانش آموزان بیوسته به اخلاق و گفتار و رفتار شمامی نگرند، از شما تقليد می کنند و درس زندگی می گيرند. شما با کردار و گفتار تان به آنان درس مهربانی، خيرخواهی، گذشت، انصباط، عدالتخواهی، آزادگی، فداکاری، شجاعت، وظیفه شناسی، کار و کوشش و هدفداری بیاموزید. و مخصوصاً به این نکته توجه کنید که کودکان، به کردار شما بیش از گفتار تان توجه دارند.

در تهیه این کتابها از نوشه ها و راهنمایهای دانشمندان بسیاری بهره بردیم و مخصوصاً از کتابهای تعلیمات دینی سابق رهنمود گرفتیم و استفاده کردیم. بدین وسیله باریها و زحمات همه را قادر می نهیم و به ویژه از نویسندهای کتابهای تعلیمات دینی سابق سپاسگزاری می نماییم.

آنچه در این کتاب می‌خوانید

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان	عنوان
۴۷	سلام، سخنی مهرافزا	۱	آیا نامش را می‌دانی؟	خداشناسی
۴۸	۵	با بدرو مادر چگونه رفتار کنیم؟	نوزاد فشنگ	
۵۰	۹	امامت و رهبری	— گفتگو با عمه کوکب	
۵۳	۱۳	امام، رهبر امت	— پسر کنجکاو	
۵۶	۱۵	نحسین امام حضرت امیر المؤمنین،	— خدای دانا و توانا	
۵۸	امام علی علیه السلام	۱۷	ای خدای مهربان!	— جهان آخرت
۶۱	کار و بخشش	۲۱	هر کاری، نتیجه‌ای دارد. هیچ کاری	بی نتیجه نیست
۶۳	امام دوم، حضرت امام حسن، علیه السلام	۲۳	بازگشت کارهای ما	بازگشت کارهای ما
۶۶	کمک به درماندگان	۲۶	زندگی در جهان آخرت	زندگی در جهان آخرت
۶۸	امام سوم، حضرت امام حسین، علیه السلام	۲۸	پیامبران	پیامبران
۷۱	دستگیری و کمک، خدا را خشنود می‌کند	۲۹	پیامبران، معلم انسانها	پیامبران، معلم انسانها
۷۴	کودک مبارز و شجاع	۳۲	علم فدایکار انسانها	علم فدایکار انسانها
۷۶	امام چهارم، حضرت سجاد، علیه السلام	۳۴	علم و رهبر آگاه مردم	علم و رهبر آگاه مردم
۷۹	گفتگو با خدا	۳۹	آخرین پیغمبر خدا حضرت محمد	آخرین پیغمبر خدا حضرت محمد
۸۱	آشنایی با احکام اسلام	۴۱	محمد امین	محمد امین
۸۹	نماز بخوانیم، نماز بهترین توشه برای	۴۳	پیامبر مهربان	پیامبر مهربان
۹۱	انسان است	۴۶	دین اسلام، آخرین و بهترین دین آسمانی	دین اسلام، آخرین و بهترین دین آسمانی
			قرآن، بیام خدا	قرآن، بیام خدا
			قرآن روشنگر	قرآن روشنگر

آشنایی با آداب و اخلاق اسلامی

چاپ شرکت افتخار «مهماں عام»

حق چاپ محفوظ است

خداشناسی

برای آشیانی می‌شیر با

خدای داناد تو انا ده بدان

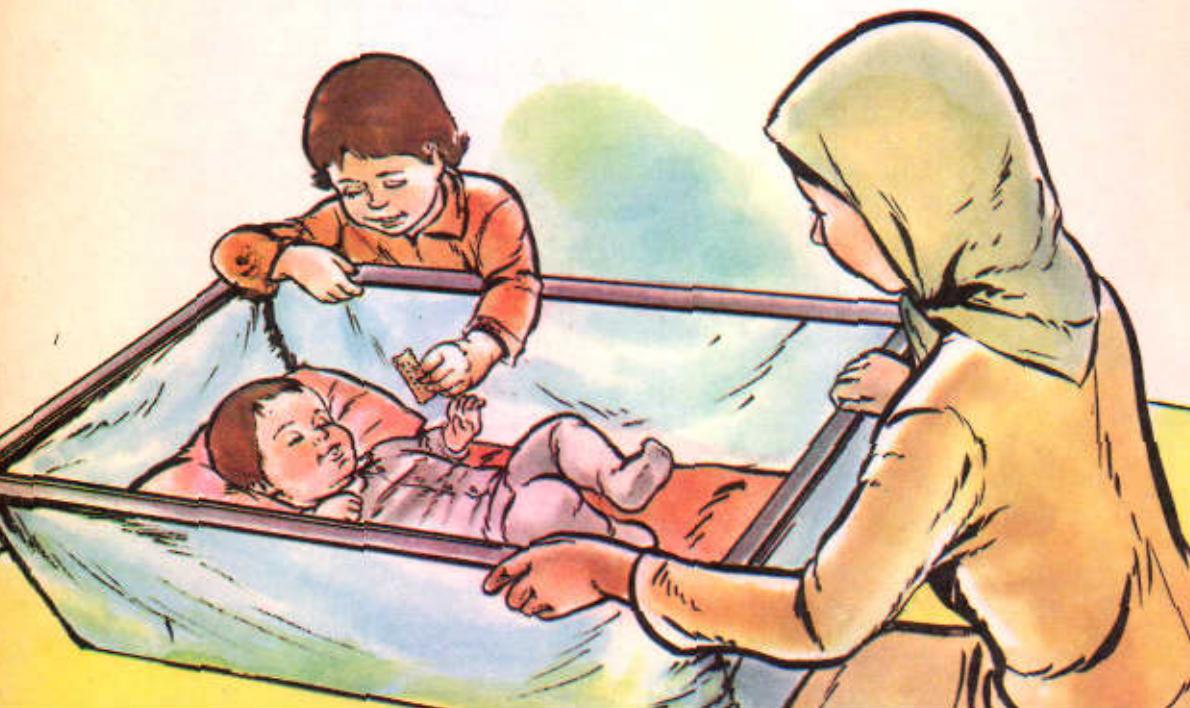
جنگل

درس اول

به نام خدای بخشندۀ مهرaban

«نوزاد قشنگ»

زهرا تازه، دارای برادر شده بود. نام برادرش مجید بود. زهرا خوشحال بود و آن نوزاد کوچک را خیلی دوست می‌داشت.
روزی زهرا کنار تخت مجید ایستاده بود و او را تماشامی کرد، به مادرش گفت: مادر جان! مجید کی بزرگ می‌شود تا با من بازی کند؟ من برادرم را خیلی



دوست دارم. مادرش گفت: زهرا جان! صبر کن، انشاء الله مجید بزرگ می شود و با هم بازی خواهید کرد.

در این هنگام مجید از خواب بیدار شد و با صدای نازکش شروع به گریه کرد. زهرا ناراحت شد و به مادرش گفت: مادر جان! چرا مجید گریه می کند؟ مادر جواب داد: گمان می کنم گرسنه باشد.

زهرا دوید و یک دانه شیرینی برداشت تا در دهان برادرش بگذارد. مادر با عجله گفت: زهرا جان! مجید نمی تواند شیرینی بخورد، مگر نمی بینی دندان ندارد؟ مبادا چیزی در دهانش بگذاری! چون ممکن است در گلویش گیر کند و خفه شود.

زهرا پرسید پس غذای مجید چیست؟ مادر گفت: دخترم! غذای مجید شیر است. او می تواند شیر بخورد و سیر شود.

مادر برخاست، نوزاد را برداشت و در دامن نهاد و پستان در دهانش گذاشت. مجید پستان مادر را گرفت و با لبهای کوچکش شروع به مکیدن کرد.



زهرا قدری به مجید و مادرش نگاه کرد، سپس با تعجب گفت: مادرجان! پستان
شما پیش از این هم شیر داشت؟ مادر گفت: نه، قبل‌شیر نداشت اماً از روزی که
مجید به دنیا آمده پستان من پر از شیر شده است. زهرا گفت: مادرجان شما
چگونه برای مجید شیر درست می‌کنید؟

مادر گفت: دخترم! درست شدن شیر، دست من نیست، من غذامی خورم
از غذا شیر درست می‌شود. زهرا گفت: پس چرا پیش از به دنیا آمدن مجید شیر
درست نمی‌شد؟ شما که آن وقتها هم غذا می‌خوردید. مادر جواب داد: راست
می‌گویی من قبل‌هم همین غذاهای را می‌خوردم، ولی شیر نداشتم اماً از وقتی که
مجید به دنیا آمده، غذایش هم در پستان من درست شده است.

زهرا با تعجب پرسید: چه کسی به فکر غذای مجید بوده است؟
مادر جواب داد: زهراجان! خدایی که مجید را آفریده به فکر غذای او هم
بوده است. خدا می‌داند که وقتی بچه به دنیا آمد احتیاج به غذا دارد، خدا می‌داند
که مجید دندان ندارد و نمی‌تواند مثل ما غذا بخورد، به این جهت پستان مادر را
پر از شیر می‌کند تا کودک ناتوان از بهترین و سالم‌ترین غذاهای استفاده کند.
زهرا جان! شیر یک غذای کامل است، یعنی تمام احتیاجات بدن کودک،
در آن هست و با دستگاه گوارش کودک کاملاً سازگار است.

زهرا گفت: راستی مادرجان! چه خدای دانا و مهربانی داریم، اگر شیر
نباشد کوچک چه می‌خورد؟

مادر گفت: آری دخترم! خداست که کودک را آفریده و غذا می‌دهد.
خدای دانا و مهربان است که شیر سالم و گوارا را برایش درست می‌کند. خدا از

ناتوانی کودک خبر داشته که دوستی او را در دل مادر قرار داده است تا از او نگهداری کند.

خدا به کودک ناتوان و بی‌زبان یاد داده که هنگام گرسنگی گریه کند، تا به خواسته‌هایش توجه کنند.

۲ فکر کنید و پاسخ دهید

- ۱ - آیا زهرا برادر خود را دوست می‌داشت؟ دلیل‌های خود را بگویید.
- ۲ - آیا درست شدن شیر دست مادر است؟ چرا؟
- ۳ - از کجا می‌فهمید که خدا آینده مجید را می‌دانست؟
- ۴ - چگونه می‌فهمید که خدا دانا و مهربان است؟
- ۵ - اگر مادر، کوکش را دوست نمی‌داشت، چه می‌شد؟
- ۶ - چه کسی مهر و محبت کودک را در دل مادر قرار داده است؟
- ۷ - اگر کودک هنگام گرسنگی گریه نمی‌کرد، چه می‌شد؟
- ۸ - اگر کودک مکیدن را بلد نبود مادر چگونه به او شیر می‌داد؟
- ۹ - گریستان و مکیدن را چه کسی به کودک یاد داده است؟

گفتگو با عمه کوکب

با پدر و مادرم به حسن‌آباد رفته بودیم. در حسن‌آباد مهمان عمه کوکب بودیم. کوکب خانم زن دانا و مهمان نواز و پرکاری است. دو گاو شیرده در منزل نگهداری می‌کند. عمه کوکب با پسرش عباس از گاوها نگهداری می‌کنند، عباس، کاه و یونجه و علف برای گاوها می‌آورد، کوکب خانم به آنها آب و علف می‌دهد، شیر آنها را می‌دوشد و ماست و پنیر درست می‌کند. کوکب خانم برای ناهار شیربرنج پخته بود. ماست و پنیر هم سر سفره گذاردۀ بود.

تزدیک غروب کوکب خانم گفت: می‌خواهم گاوها را بدوشم، سطل تمیزی برداشت و به طویله رفت، من و عباس هم برای کمک او به طویله رفتیم. ما گوساله را گرفتیم تا کوکب خانم گاو را بدوشد. گوساله ده روزه بود اماً بسیار زیبا و نیرومند بود، آرام نمی‌ایستاد، می‌خواست از دست ما فرار کند.

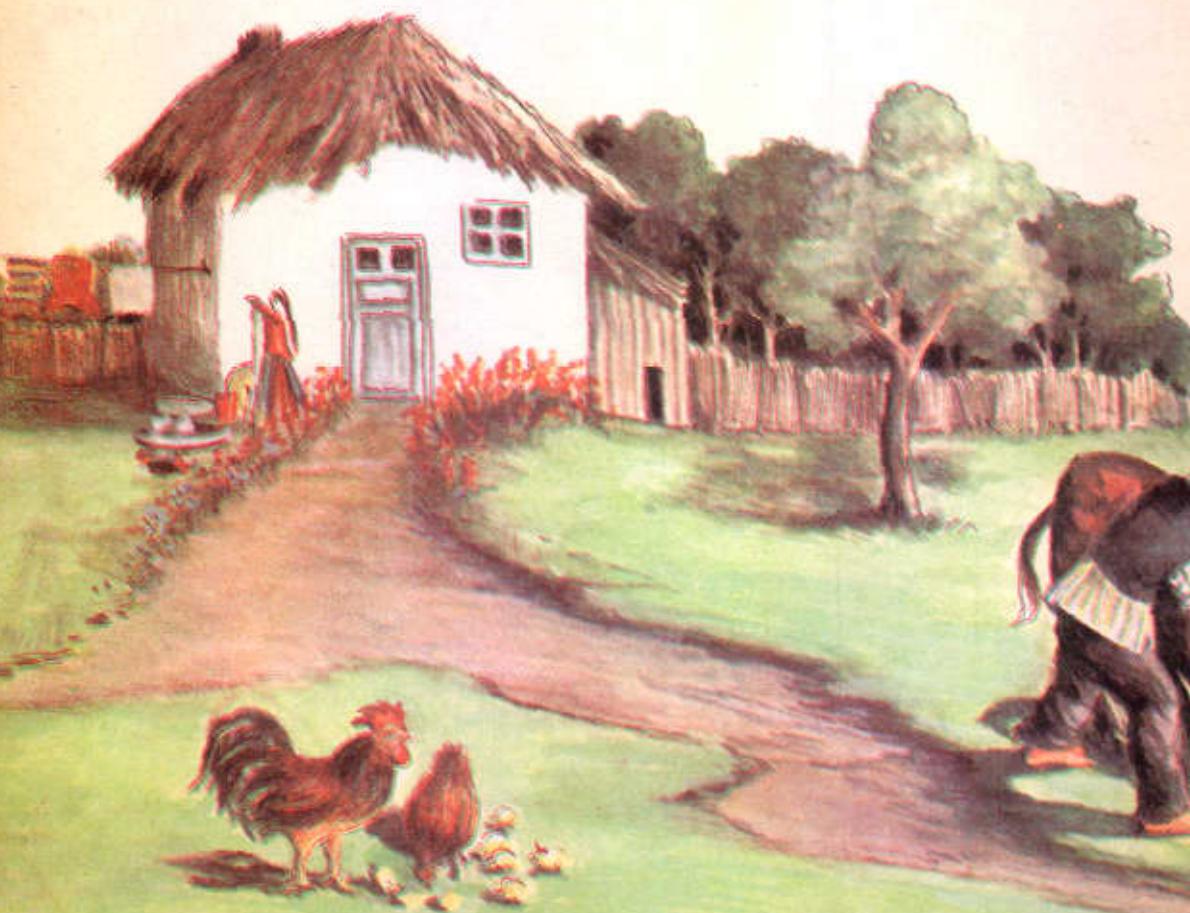
کوکب خانم گاورا دوشید و به اندازه خوراک گوساله شیر در پستان گاو باقی گذاشت و گفت: بگذارید گوساله بیاید. گوساله با یک تکان خودش را از دست ما رها کرد و به سوی پستان مادر شتابفت. پستان را در دهان گرفت و شروع به شیر خوردن کرد. از چابکی و نیرومندی گوساله تعجب کردم. به عمه کوکب گفتیم: عمه جان! غذای گوساله چه چیزهایی است که این قدر نیرومند و چابک شده است؟! عمه کوکب گفت: فقط شیر می‌خورد، شیر یک غذای کامل و سودمند است. هر چه برای رشد و سلامتی بدن لازم است در شیر وجود دارد. ویتامین، مواد معدنی، چربی، قند و چیزهای دیگر در شیر هست. شیر به تنها یی همه نیازهای بدن گوساله را تأمین می‌کند.

گفتم: عمه جان! مگر گاو از نیازهای بدن گوساله خبر دارد؟ مگر گاو می‌داند که باید چه چیزهایی در شیر خود به وجود بیاورد؟ مگر گاو می‌داند که چگونه باید یک غذای کامل و غنی درست کند؟

کوکب خانم گفت: نه... گاو از نیازهای بدن گوساله خبر ندارد. از ترکیبات شیر خودش هم اطلاعی ندارد. گاو که با آگاهی و اراده خودش شیر را درست نمی‌کند، بلکه خدا از نیازهای گوساله خبر داشته و دستگاههای مجهز شیرسازی در بدن گاو قرار داده است تا هم گوساله غذا بخورد و بزرگ شود و هم ما انسانها از شیر اضافی آن بخوریم و نیرو بگیریم. جو اداجان! ما، در جهان پرشکوه و هماهنگی زندگی می‌کنیم. گیاهان از آب و خاک و نور خورشید استفاده می‌کنند و بزرگ می‌شوند. گاو هم علف می‌خورد و در بدنش تبدیل به شیر می‌گردد. گوساله شیر می‌خورد، ما انسانها هم از شیر گاو استفاده می‌کنیم.



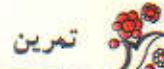
چه کسی — جز خدای بزرگ و دانا — از نیازهای بدن ما و بدن گو dalle
اطلاع داشته است و با چنین نظم و هماهنگی، شیر را به وجود آورده است؟
جواد جان! بیا نزدیک، سرپستان گاو را ببین، نوک پستان گاو گرد و
کاملاً به اندازه آفریده شده است تا گو dalle به راحتی از آن شیر بخورد. سر
پستان سوراخهای بسیار ریز دارد که گو dalle با مکیدن، شیر را از آن بیرون
می‌آورد. شیر از این سوراخها بیرون نمی‌ریزد و زیاده‌هم در گلوی گو dalle وارد
نمی‌شود. خدای مهربان، هم به فکر غذای گو dalle بوده و هم به فکر غذای ما
انسانها. به این جهت بیش از نیاز گو dalle، شیر در پستان گاو درست می‌شود.



خدای دانا و عزیز، این غذای گوارا و سودمند را برای ما آفریده تا از آن استفاده کنیم و نیرومند شویم و او را عبادت کنیم و از او تشکر کنیم، و با کار و رنج و کوشش، جهان را آباد سازیم و به کمک انسانهای ستمدیده بستایم.



- ۱ - جواد از چه چیزی تعجب کرده بود؟
- ۲ - چه غذایی موجب نیرومندی گوساله شده بود؟
- ۳ - «شیر یک غذای کامل است» یعنی چه؟
- ۴ - آیا گاو ترکیبات شیر را می‌داند و آن را درست می‌کند؟
- ۵ - چه کسی دستگاههای مجهر شیرسازی را در بدن گاو قرار داده است؟
- ۶ - کوکب خانم با نشان دادن نوک پستان گاو چه نتیجه‌ای گرفت؟
- ۷ - آیا بیش از نیاز گوساله شیر در پستان گاو وجود دارد؟
- ۸ - از شیرهای اضافی چه کسانی استفاده می‌کنند؟
- ۹ - از نظم و هماهنگی جهان آفرینش چه می‌فهمیم؟
- ۱۰ - در برابر نعمتهای خدا چه وظیفه‌هایی داریم؟

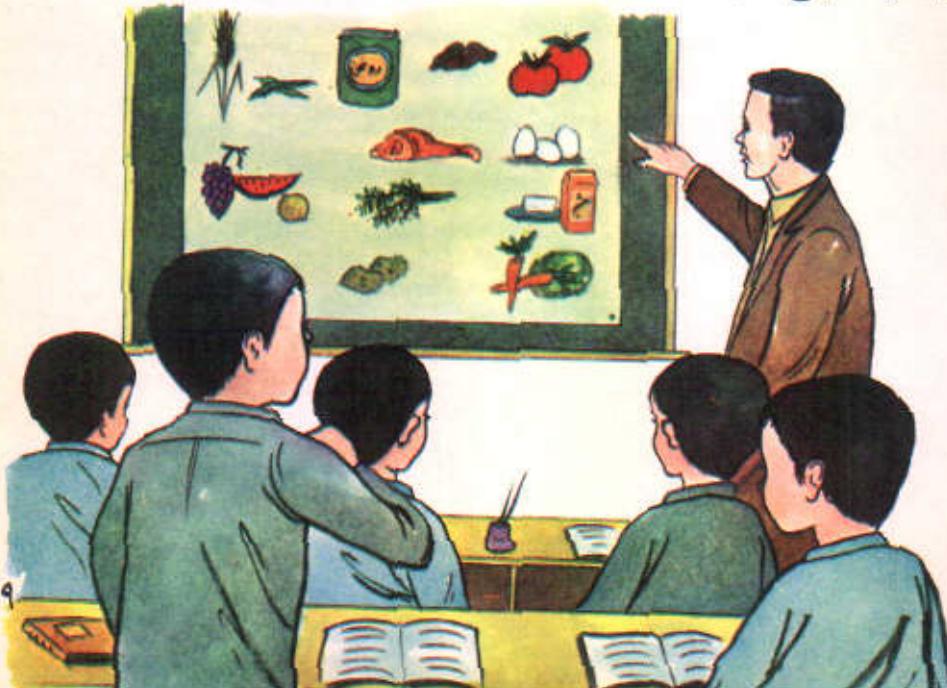


- ۱ - پاسخ این سوالها را از دوست خود بپرسید.
- ۲ - درس را برای اعضای خانواده بخوانید.

پسر کنجکاو

حسن در کلاس سوم درس می خواند، او پسر با هوش و کنجکاوی است. می خواهد درسهای خود را خوب بفهمد، درباره هر چیز فکر می کند و اگر چیزی را نفهمید می پرسد.

یک روز آموزگار، در کلاس درس می گفت: بدن ما به غذاهای گوناگون احتیاج دارد. غذا خوردن علاوه بر این که گرسنگی را برطرف می کند به بدن ما هم فایده می رساند، هر غذایی فایده مخصوصی دارد. برای این که بتوانیم بدویم و کار کنیم احتیاج به انرژی داریم، انرژی بدن ما را گرم نگه می دارد و به ما توانایی بازی و کار و عبادت می دهد. بعضی از غذاها به ما انرژی می دهند، مانند: سیب زمینی، برنج، روغن، خرما، سیب، کشمش،... هر کسی به این غذاها احتیاج دارد، اما کسانی که بیشتر کار می کنند، بیشتر احتیاج دارند.



بعضی از غذاها برای بزرگ شدن و رشد بدن لازم هستند، مانند: گوشت،
تخم مرغ، شیر، پنیر...

بدن به ویتامین‌ها و مواد معدنی هم **احتیاج** دارد، میوه‌ها و سبزیهای تازه ویتامین دارند و شیر، تخم مرغ، اسفناج و سایر سبزی‌ها مواد معدنی هم دارند. بدن ما برای رشد و سلامتی، خیلی چیزها لازم دارد اما هر چه لازم دارد در انواع غذاها هست.

ما باید میوه‌های گوناگون و غذاهای مختلف تولید کنیم و از آنها استفاده نماییم تا خوب رشد کنیم و سالم باشیم.

حسن از آموزگار اجازه گرفت و گفت: من خیال می‌کرم که غذا خوردن فقط گرسنگی را بر طرف می‌کند اما حالا فهمیدم که ما برای رشد و سلامتی، غذاهای گوناگون لازم داریم، حالا متوجه شدم که ما خیلی چیزها احتیاج داریم. آموزگار گفت: اما جای خوشحالی است که بدن ما هر چه لازم دارد، در جهان هست، میوه‌های مختلف و سبزی‌های گوناگون داریم. برنج، گندم، نخود، لوبيا، عدس، بادام، پسته، فندق... همه چیز هست. درختها برای ما میوه درست می‌کنند و از شیر و گوشت بعضی از حیوانات هم استفاده می‌کنیم.

راستی بچه‌ها! چه کسی به فکر ما بوده و از تمام **احتیاجات** ما خبر داشته است و هر چه را لازم داشته‌ایم برای ما پیش‌بینی کرده است؟ آری کودکان عزیز! خدای مهربان همه چیز را برای ما آفریده است، و به ما نیرو داده تا کار و کوشش کنیم و جهان را آباد سازیم. هم خودمان استفاده کنیم و خدای را سپاس گوییم، هم به دیگران سود برسانیم.

هر انسان نیرومندی که کار نکند و به مردم سود نرساند، حق ندارد از حاصل دسترنج دیگران استفاده کند. شما نیز به پدر و مادرتان کمک می‌کنید و برای اجتماع سودمند هستید. چون می‌دانید که خدا افراد بیکار و تنبیل را دوست ندارد.

به فکر تهیستان و گرسنگان جهان باشید و از حقوق آنان دفاع کنید.

۲ فکر کنید و پاسخ دهید

- ۱ - اگر چیزی را نفهمیدید چه می‌کنید؟ از چه کسی می‌برسید؟
- ۲ - اگر مدتی غذا نخورید چه حالی پیدا می‌کنید؟ چرا؟
- ۳ - احتیاجات بدن خود را چگونه برطرف می‌کنید؟
- ۴ - حیوانات و گیاهان چه خدمتی به ما می‌کنند؟
- ۵ - چه کسی به فکر ما بوده و هر چه لازم داشته‌ایم آفریده است؟
- ۶ - در جهان چه خدمتی بر عهده ماست؟
- ۷ - چه کسی باید جهان را آباد کند؟
- ۸ - چه کسی حق ندارد از حاصل دسترنج دیگران استفاده کند؟
- ۹ - آیا شما به پدر و مادرتان کمک می‌کنید؟ چگونه؟
- ۱۰ - چگونه باید به فکر تهیستان و گرسنگان باشیم؟

بدن ما، به غذاهای گوناگون «احتیاج» دارد.
اگر غذاهای گوناگون، نداشتم چه می کردیم؟
آیا می توانستیم، راه برویم و کار کنیم؟



برای سلامت بدن، باید مقداری آب بنوشیم.
اگر آب نبود، چه می کردیم؟
آیا می توانستیم، کار کنیم؟ آیا می توانستیم بدؤیم و بازی کنیم؟



آیا می دانید: چه کسی، همه «احتیاجات» ما را می دانسته و آنها را، برای ما، آفریده است؟ ما چگونه از این همه نعمت، تشکر می کنیم؟

خدای دانا و توانا

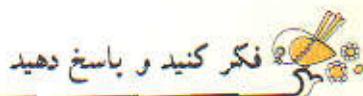
بدن ما به غذاهای گوناگون «احتیاج» دارد. اگر غذاهای گوناگون
نداشتیم چه می کردیم؟
برای سلامت بدن باید مقداری آب بنوشیم، اگر آب نداشتیم چه
می کردیم؟

اگر دهان نداشتیم که آب و غذا را بخوریم، چه می کردیم؟
اگر دندان نداشتیم که غذا را بجوییم، چه می کردیم؟
ولی جای خوشحالی است، که تمام احتیاجات و وسایل زندگی ما، در
جهان، هست. میوه های گوناگون می خواهیم، که هست؛ سبزی های مختلف
می خواهیم، که هست؛ تشنه می شویم، آب، هست.
دهان هم داریم، که با آن غذا بخوریم، دست داریم که غذارا برداریم و در
دهان بگذاریم، معده و روده داریم، که غذا را هضم کنند؛ چشم داریم که با آن
بینیم؛ گوش داریم که با آن بشنویم؛ زبان داریم، که با آن حرف بزنیم و مزه
غذاها را بچشیم.

هر چه برای رشد و سلامت ما، لازم بوده است، در جهان، هست.
از این نظم دقیق و ارتباط مخصوصی که میان ما و سایر موجودات
جهان، برقرار است، می فهمیم که:
آفریدگار دانا و توانایی ما را آفریده و قبلًا به فکر ما بوده و تمام
«احتیاجات» ما را پیش بینی کرده است.
آن آفریدگار، خداست، که هم دانا و هم تواناست.

اگر دانا نبود، نمی‌دانست ما چه چیزهایی را لازم داریم.
و اگر توانا نبود، نمی‌توانست چیزهایی را که لازم داریم، بیافریند.
اکنون فهمیدیم که: خدا «عالم» است یعنی: داناست. و خدا « قادر »
است یعنی: تواناست.

خدای دانا و مهربان به تمام بندگان لطف و محبت دارد. این همه نعمت را
برای همگان آفریده است. همه انسانها حق زندگی و برخورداری از نعمتهاي
الهي را دارند. ولی بسياري از ما در اثر جنایتهای تجاوزگران، از بسياري از
نعمتهاي الهي محروم گشته‌ایم. بسياري از ما میوه و غذا به قدر کافی در اختیار
نداریم. حتی گاهی از آب شیرین و آشامیدنی نیز محروم هستیم. ما همه
مسلمانیم، باید به فکر یکدیگر باشیم. یک مسلمان نمی‌تواند تنها به فکر خود
باشد و بر طبق دلخواه بخورد و بیاشامد و پوشد و حتی زیاده روی هم بکند و به
فکر محروم و تهیدستان نباشد. ما باید همه با هم برای آباد کردن کشور و رفع
نیازمندیها بکوشیم و از حقوق پایمال شده مستمندان دفاع کنیم.



- ۱ - از نظم دقیق و ارتباط مخصوصی که میان ما و سایر موجودات جهان
برقرار است، چه می‌فهمیم؟
- ۲ - نمونه‌ای از ارتباطی که بین ما و سایر موجودات هست، بگویید.
- ۳ - « خدا عالم است » یعنی چه؟ « خدا قادر است » یعنی چه؟
- ۴ - چگونه می‌فهمیم که خدا دانا و توانا است؟

ای خدای مهربان!

ای خدای مهربان که بندگان را آفریده‌ای و همه را دوست داری.
 ای مهربان خدا! که این همه نعمت را برای انسانها آفریدی و همه را
 روزی می‌رسانی. تو ما را آفریده‌ای تا در این جهان خوب و سر بلند و در جهان



آخرت سعادتمند زندگی کنیم. پروردگارا! تو به ما مهربان بودی که پیامبران را فرستادی و امامان و رهبران را برگزیدی تا مارا به راه راست هدایت کنند و راه و رسم زندگی خوب را به ما بیاموزند. تا در دنیا و آخرت سعادتمند باشیم. ای خدای عزیز! تو دوست داری همه بندگان، نیکوکار باشند و بدکاران به خود آیند و بسوی تو باز گردند و در راه راست قدم بگذارند.

بار خدایا! تو از ما خواسته‌ای که باهم مهربان باشیم و برای رفاه و آسایش خلق محروم کوشش و جهاد کنیم و به کسی آزار نرسانیم. تو به ما فرمان داده‌ای که یار و یاور مظلومان باشیم و از آنان حمایت کنیم. تو به ما دستور داده‌ای که با ستمگران و زورگویان دشمن باشیم و با ستمگری پیکار و مبارزه کنیم.

پروردگارا! ما را به وظائف خویش آشنا ساز و یاریمان کن. تا دستورهای را به کار بندیم و از بندگان شایسته‌ات باشیم.

تمرین

- ۱ - درست خواندن درس را تمرین کنید.
- ۲ - درس را برای اعضای خانواده بخوانید.

جهان آخزت دینا مزرعه آخزت است

جشن ۲

درس ششم

هر کاری، نتیجه‌ای دارد.
هیچ کاری، بی نتیجه نیست.



نام این مرد، علی‌آقا است.
علی‌آقا، مرد زرنگ و پرکاری است:
کار می‌کند، می‌کوشد، گل و درخت می‌کارد و آنها را آبیاری می‌کند.

این باغ زیبا را تماشا کنید، باغ علی آقا است، درختهایش بزرگ شده و
میوه داده اند.

علی آقا، میوه‌ها را می‌چیند، خودش و بستگانش، از آنها استفاده می‌کنند
و زیادی آنها را می‌فروشد و از فروش میوه‌ها، سود می‌برد.
خودش زندگی خوبی دارد، و به مردم هم، خدمت و کمک می‌کند.
آری: هر کس کار خوبی بکند، نتیجه‌اش را می‌بیند.



دنیا هم «مزروعه» آخرت، است: هر کس در دنیا کار خوب انجام دهد در جهان آخرت
«نتیجه خوب» می‌گیرد.

هر کس در «زمینش» درخت و گل بکارد،
زمینش، باغ و گلستان می‌شود.

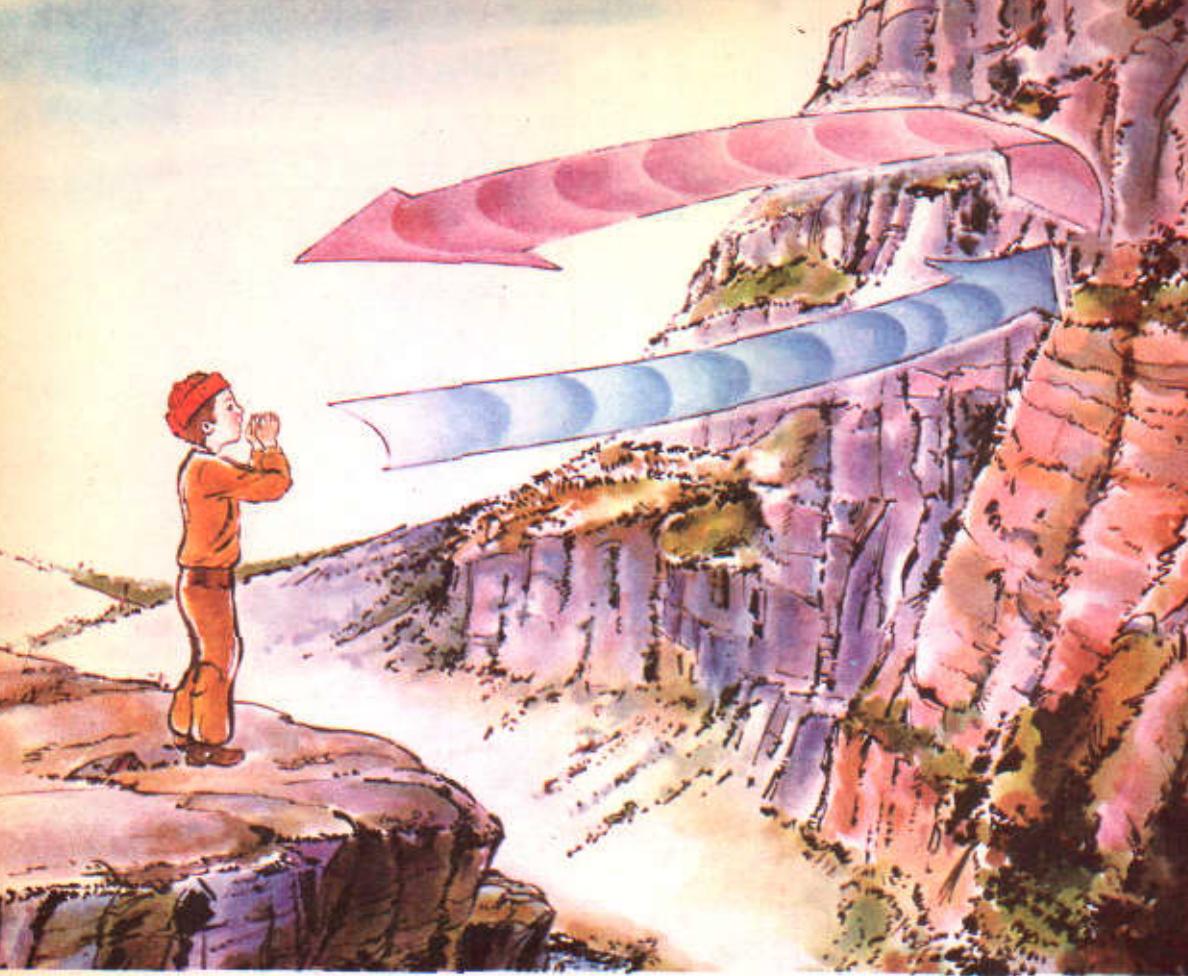


این مرد، تبل و بیکاره است. «مزرعه» او خراب و ویران است. درخت و
باغ ندارد.
در فصل تابستان، که دهقانان میوه‌های باغ خود را می‌چینند، او میوه و
محصول ندارد، حسرت می‌خورد، می‌گوید:
ای کاش! من هم درخت کاشته بودم! ای کاش، من هم باغ داشتم!
آری، هر کس کار نکند، بهره ندارد و بیچاره و بدیخت می‌شود.

- ۱ - علی آقا چگونه مردی است؟
- ۲ - علی آقا چه کارهایی می‌کند و چه نتیجه‌ای می‌برد؟
- ۳ - دنیا مزرعه آخرت است یعنی چه؟
- ۴ - نتیجه بیکاری چیست؟ چرا بیکاره حسرت می‌خورد؟

جمله‌های زیر را کامل کنید (در دفتر خود بنویسید).

- ۱ - هر کس کار نکند _____ ندارد.
- ۲ - بیکاره حسرت می‌خورد و می‌گوید: _____
- ۳ - مزرعه شخص تنبیل و بیکاره _____ است.
- ۴ - دنیا _____ آخرت است.
- ۵ - علی آقا چون _____ می‌کند زندگی خوبی دارد و به مردم هم _____



بازگشت کارهای ما

مسعود در برابر کوه، با صدای بلند فریاد می‌کشد و می‌گوید: خوب...

خوب...

صدای مسعود به کوه می‌خورد و بر می‌گردد، وقتی صدا برگشت، مسعود آن را می‌شنود، مثل اینکه کوه هم می‌گوید: خوب... خوب... همه کارهای ما «بازگشت» دارند و ناچار به سوی ما باز خواهند گشت.
اگر کارهای خوب کرده باشیم، «بازگشت» کارها برای ما خوب خواهد

بود. و اگر کارهای بد کرده باشیم، «بازگشت» کارها به سوی ما، بد و ناراحت کننده خواهد بود.

بازگشت کامل کارهای خود را، در «جهان آخرت» خواهیم دید.

فکر کنید و باسخ دهید

- ۱ - مسعود در مقابل کوه چه می‌گوید؟ وقتی صدایش برگشت، چه می‌شنود؟
- ۲ - بازگشت کارهای خوب ما چگونه است؟
- ۳ - بازگشت کامل کارهای خود را کجا خواهیم دید؟

کامل کنید (در دفتر خود بنویسید.)

- ۱ - همه کارهای ما ————— و ناچار به سوی ما باز خواهند گشت.
- ۲ - کارهای خوب ما بازگشت ————— خواهند داشت.
- ۳ - کارهای بد ————— بد و ناراحت کننده خواهند داشت.
- ۴ - بازگشت کامل کارهای خود را ————— خواهیم دید.

زندگی در جهان آخرت

سعیده، نه سال دارد و در کلاس سوم، درس می‌خواند. دختر با هوش و کنجکاوی است، مرتب سوال می‌کند و جواب می‌خواهد.

روزی از مادرش پرسید: مادرجان! یعنی چه، صبح که می‌شود، صبحانه می‌خوریم، پدر می‌رود سرکار، من می‌روم به مدرسه، شما کار می‌کنید تا شب می‌شود، پدر به خانه می‌آید، شام می‌خوریم، شما سفره را جمع می‌کنید، بعد می‌خوابیم؟!

فردا همین‌طور، پس فردا همین‌طور و همیشه همین‌طور !!

این کارها یعنی چه؟ مادرجان! ما برای چه بزرگ می‌شویم، دخترها زن می‌شوند و پسرها مرد می‌شوند؟ و بعد پیر می‌شویم و می‌میریم و زندگی ماتمام می‌شود! این همه کار می‌کنیم که بعیریم؟! چنان‌که مادربزرگ مرد!

چه بی‌نتیجه! چه بی‌بهوده!

سعیده می‌خواهد به مادرش بگوید: این زندگی که مادریم، هیچ فایده‌ای ندارد؛ چون هر روز، همان کارهای دیروز را تکرار می‌کنیم، یعنی: می‌خوریم و می‌خوابیم و کار می‌کنیم و عاقبت می‌میریم و از این همه کار هیچ «نتیجه‌ای» نمی‌گیریم، زیرا زندگی ما تمام می‌شود و دیگر نیستیم که نتیجه‌ای بگیریم.

مادرش گفت: سعیده‌جان! زندگی و کارهای ما، بی «نتیجه» نیست. ما با مردن نابود نمی‌شویم و زندگی ما تمام نمی‌شود بلکه از این جهان به «جهان آخرت» می‌رویم و در آن جا «نتیجهٔ کامل» کارهای خود را می‌بینیم.



سعیده جان! ما، در «جهان آخرت» همیشه زنده خواهیم بود، نیکو کاران به بهشت می‌روند و در آسایش و راحتی زندگی می‌کنند و گناهکاران به جهنم می‌روند و در عذاب و ناراحتی خواهند بود.

لذت‌ها و نعمت‌های جهان آخرت، عالی‌تر و برتر از لذت‌ها و نعمت‌های دنیاست؛ هیچ نقص و عیبی ندارند. بهشتیان همواره مورد توجه و محبت مخصوصی پروردگار جهان می‌باشند و خدا همیشه نعمت‌های تازه‌ای به ایشان می‌بخشد؛ بهشتیان از نعمت‌های تازه و محبت‌های پاک پروردگارشان بهره‌مند می‌شوند و از این همه نعمت و محبت، پیوسته شادمان و خشنودند.

خدا در قرآن می‌فرماید:

ما شما را بیهوده نیافریده ایم و شما به سوی ما، به جهان آخرت باز می‌گردید.

- ۱ - سعیده چه چیزی را بی‌خود و بی‌نتیجه می‌دانست؟... چرا؟
- ۲ - مادرش در جواب، چه گفت؟
- ۳ - آیا ما با مردن، نابود می‌شویم؟ اگر با مردن نابود می‌شدیم آیا این همه کار و کوشش، بیهوده و بی‌نتیجه نبود؟
- ۴ - بازگشت و نتیجه کامل کارهای خود را در کجا خواهیم دید؟
- ۵ - نیکوکاران در جهان آخرت، چگونه خواهند بود؟ گناهکاران چطور؟
- ۶ - «دینا مزرعه آخرت است»، یعنی چه؟

تمرین (یک یا دو تمرین را انتخاب کنید.)

- ۱ - درباره مطالب درس با یکی از اعضای خانواده گفتگو کنید.
- ۲ - پاسخ سوالهای بالا را بنویسید و در کلاس بخوانید.
- ۳ - گفتگوی سعیده را با مادرش بنویسید.

پیامبران

رائینما و معلم خوب انسانها

درس هشتم

پیامبران، معلم انسانها

این مرد، راه را گم کرده است و سرگردان است.

آیا کسی که خودش سرگردان است و راه را بله نیست، می‌تواند دیگران را رهبری کند؟

آیا او می‌تواند مردم دیگر را به مقصد برساند؟

آیا شما از کسی که راه را بله نیست، پیروی می‌کنید؟

آیا کسی که خواندن و نوشتن را بله نیست، می‌تواند به دیگران





خواندن و نوشتن یاد دهد؟

پس: رهبر و راهنمای، باید آگاه و دانا باشد، تا بتواند مردم را،
سرپرستی و راهنمایی کند و به مقصد برساند.

این کودکان چه می کنند؟

چه کسی به آنها درس می دهد؟

آیا شما، قبلًا خواندن و نوشتن را بلد بودید؟

چه کسی خواندن و نوشتن را به شما یاد داد؟

آیا شما بدون راهنمای و آموزگار، می توانستید خواندن و نوشتن را
یاد بگیرید؟ نه... هرگز.

پس: کلاس، احتیاج به آموزگار دارد.

آموزگار راهنمای دانشآموزان است، کلاس را منظم می کند و به
دانشآموزان درس می دهد.

پیغمبران هم معلم انسانها هستند، مردم را راهنمایی می کنند و راه
زندگی بهتر را به آنها نشان می دهند و آنها را هدایت و رهبری می کنند.

معلم فداکار انسانها

پیامبران معلم انسانها هستند و از نخستین روزگار با مردم بودند و همواره در تعلیم و تربیت آنها می‌کوشیدند. آیین زندگی و راه بهتر زیستن را به آنان نشان می‌دادند. خدای مهربان و نعمتهای او را به یاد مردم می‌آوردن و از جهان آخرت و نعمتهای زیبای آن جهان برای مردم سخن می‌گفتند.

پیامبران همانند یک معلم فداکار و دلسوز به تعلیم و تربیت انسانها می‌پرداختند. راه پرسش خدا را به آنها نشان می‌دادند. آنها اخلاق نیک و بد و کردار نیک و بد را توضیح می‌دادند. و مهربانی و کمک و خیرخواهی و انساندوستی را به مردم می‌آموختند.

در میان همه انسانها، انسانهای نخستین بی‌آلایش و کم اطلاع و ساده‌تر بودند، و پیامبران هم برای ارشاد و راهنمایی آنان تلاش بیشتری کردند و رنج و زحمت بیشتری کشیدند. در اثر زحمتها و کوششها و راهنماییهای پیامبران، انسانها تدریجیاً ترقی و پیشرفت نمودند و با خوبیهای اخلاقی آشنا شدند.

۲ فکر کنید و پاسخ دهید

- ۱ - آیین زندگی و راه بهتر زیستن را چه کسانی به انسانها نشان می‌دهند؟
- ۲ - پیامبران چه چیزهایی را برای مردم یادآوری می‌کردند؟
- ۳ - پیامبران برای راهنمایی چه کسانی بیشتر زحمت کشیدند و تلاش کردند؟
- ۴ - پیامبران چه کارهایی را در بین مردم ترویج می‌کردند؟
- ۵ - رهبر و راهنما باید چه صفاتی داشته باشد؟

معلم و رهبر آگاه مردم

پیغمبر، معلم و رهبر آگاه مردم است، هر چه برای رهبری لازم باشد، همه را می‌داند: تمام دستورهای دین را می‌داند، کارهای خوب و بد را کاملاً می‌شناسد.

پیامبر می‌داند که چه کارهایی انسان را در جهان آخرت سعادتمند می‌کند و چه کارهایی انسان را در جهان آخرت بدبخت می‌کند.

پیغمبر، خدا را خوب می‌شناسد، از وضع جهان آخرت و بهشت و جهنم خبر دارد، از اخلاق خوب و بد کاملاً آگاه است، در علم و دانش سرآمد همه مردم است و کسی به مرتبه اش نمی‌رسد.

خدای دانا و توانا، همه این علوم را در اختیار پیغمبرش قرار داده تا بتواند مردم را رهبری و سرپرستی کند. پیغمبر معلم مردم و یک رهبر کامل است.

* * *

سلام بر ابراهیم

حضرت ابراهیم و همه پیامبران خدا، از مردم بودند و در میان مردم و مانند آنان زندگی می‌کردند و به فرمان و راهنمایی خدا برای سعادت و پیشرفت مردم کوشش می‌کردند.

پیغمبران از نخستین روزگار با مردم بودند. راه زندگی بهتر را به مردم نشان می‌دادند و درباره خداشناسی و جهان آخرت و کارهای خوب و شایسته با مردم صحبت می‌کردند. با بی‌دینی و ستمگری مبارزه می‌نمودند و از ستمدیدگان

طرفداری می کردند. کوشش می کردند تا در میان مردم دوستی و برابری برقرار شود.

پیغمبران هزاران سال کوشیدند تا راه عبادت و خداشناسی و بهترین روش زندگی را، برای انسانها روشن کردند. ما اکنون از نتیجهٔ زحمتهای پیغمبران و پیروانشان، استفاده می کنیم. و به همین جهت، از آنان تشکر می کنیم و بر آنان درود می فرستیم و می گوییم:

سلام بر همهٔ پیامبران خدا!
سلام بر حضرت نوح پیامبر بزرگ خدا
سلام بر پیامبر بزرگ خدا، حضرت ابراهیم!
و سلام بر پیروان ابراهیم!
و سلام بر حضرت موسی و حضرت عیسی، پیامبران بزرگ خدا
و سلام بر آخرین پیامبر خدا، حضرت محمد.

- ۱ - رهبر و معلم مردم کیست و چه چیزهایی را می‌داند تا مردم را رهبری کند؟
- ۲ - علم و دانش پیغمبر چگونه است؟ آیا کسی به مرتبه اش می‌رسد؟
- ۳ - چه کسی این علوم را در اختیار پیغمبر قرار داده است؟
- ۴ - پیامبران با چه کسانی مبارزه می‌کردند و از چه کسانی طرفداری می‌کردند؟
- ۵ - پیامبران درباره چه چیزهایی با مردم صحبت می‌کردند؟
- ۶ - چه کسانی بهترین روش زندگی را به انسانها آموخته‌اند؟
- ۷ - چرا از پیغمبران تشکر می‌کنیم و بر آنان درود می‌فرستیم؟

جملات زیر را کامل کنید

- ۱ - پیامبران ————— انسانها هستند.
- ۲ - پیامبران از جهان آخرت و ————— برای مردم سخن می‌گفتند.
- ۳ - پیامبران بذر اخلاق نیک و رفتار شایسته را در میان انسانها —————.
- ۴ - در اثر زحمتهای پیامبران، انسانها تدریجاً ————— نمودند.

آخرین پیغمبر خدا

حضرت محمد

نام پدرش عبدالله و نام مادرش آمنه است. در عاًم الفیل، روز هفدهم ربیع الاول در شهر مکه به دنیا آمد. هنوز به دنیا نیامده بود که پدرش «عبدالله» از دنیا رفت. «آمنه» تا شش سال از محمد پرستاری کرد، وقتی که محمد شش ساله شد، مادرش آمنه نیز از دنیا رفت.

بعد از مرگ آمنه «عبدالمطلب»، پدر بزرگ محمد از او نگهداری می‌کرد. عبدالطلب محمد را خیلی دوست می‌داشت و با او مهربانی می‌کرد، از آینده محمد خبر داشت، از دانشمندان یهودی و مسیحی شنیده بود که، پیغمبر بزرگی از مکه برانگیخته خواهد شد.

عبدالمطلب مورد احترام عرب بود. در کنار کعبه می‌نشست و مردم اطرافش می‌نشستند. محمد تنها کسی بود که پهلوی جدش می‌نشست. گاهی که می‌خواستند نگذارند محمد پیش جدش بروند، عبدالطلب می‌گفت: بگذارید فرزندم بیاید، به خدا سوگند. آثار بزرگی در چهره‌اش نمودار است؛ می‌بینیم روزی را که او رهبر بزرگ شما می‌شود و شما را از ذلت و ظلم و ستم نجات می‌بخشد.

عبدالمطلب محمد را نزدیک خویش می‌شانید و او را نوازش می‌کرد و چون از آینده درخسان محمد آگاه بود در حفظ و نگهداریش می‌کوشید. همیشه با او بود و با او غذا می‌خورد.

محمد از کودکی با هوش و با ادب بود، «ابوطالب» عمویش می‌گوید:

محمد، هنگام غذا خوردن بسم اللہ می گفت و بعد از غذا، خدا را شکر می کرد و آللہ می گفت.

هیچ گاه دروغی از محمد نشنیدم و کار زشت و ناپسندی از او ندیدم، هیچ وقت با صدای بلند نمی خنده بلکه همیشه لبخند می زد. با کودکان مهربان بود و هرگز به کسی دشنام نمی داد.

نکر کنید و پاسخ دهید

- ۱ - حضرت محمد در چه سالی، به دنیا آمد؟ در چه ماهی و در چه روزی؟
- ۲ - نام مادرش چه بود؟ نام پدرش چه بود؟
- ۳ - عبدالملک با محمد چه نسبتی داشت؟ درباره او چه می گفت؟
- ۴ - دانشمندان یهودی و مسیحی چه می گفتد؟
- ۵ - رفتار حضرت محمد، در کودکی، چگونه بود؟ عمویش درباره او چه می گفت؟

تمرین

- ۱ - این درس را برای یکی از اعضای خانواده بخوانید.
- ۲ - دو سؤال دیگر از درس طرح کنید و بنویسید.

محمد امین

در یکی از سالها، مردم مکه، خانه کعبه را، از نومی ساختند. همه مردم، در ساختن کعبه همکاری می‌کردند.

دیوار کعبه را تا جایگاه مخصوص «حَجَرُ الْأَسْوَد» بالا برند. (حجر الاسود سنگ محترمی است). هر یک از بزرگان مکه، میل داشت که آن سنگ را تنها خودش در جایگاه مخصوص بگذارد و با این عمل، خود و طایفه‌اش را، سربلند گرداند. کم کم کارشان به نزاع کشید، هر کسی می‌گفت: فقط، من، باید حجر الاسود را در جایش بگذارم.

پرخاش و اختلاف زیاد شد. وضع خطرناکی پیش آمد. نزدیک بود جنگ سختی شروع شود؛ آماده جنگ شدند.

در این هنگام، مرددانا و خیرخواهی برخاست و گفت: ای مردم! از جنگ واختلاف، دوری کنید؛ زیرا جنگ واختلاف، شهرها و خانه‌هارا ویران می‌سازد و مردم را پراکنده و بدبخت می‌کند، از نادانی دست بردارید و چاره کار را پیدا کنید.

بزرگان مکه گفتند: چه کنیم؟! چاره کار چیست؟!
مرددانا گفت: یک نفر را انتخاب کنید تا در میان شما داوری کند و نزاع و اختلاف را پایان دهد.

گفتند: قبول داریم، پیشنهاد خوبی است.
ولی هر طایفه‌ای می‌گفت: قاضی باید از ما باشد.
باز هم کار، به اختلاف و نزاع کشید.

همان مرد خیراندیش گفت: حالا که نمی‌توانید در انتخاب قاضی، باهم موافقت کنید، نخستین کسی را که از این در «مسجد‌الحرام» وارد می‌شود، قاضی قرار دهید.

همه گفتند: قبول داریم...

چشمها، به سوی آن در، خیره شد؛ دلها در اضطراب بود که: چه کسی وارد می‌شود و به نفع کدام طایفه، داوری خواهد کرد؟
جوانی وارد شد. همه خوشحال شدند و گفتند: چه خوب! محمد است، محمد امین! محمد امین! با انصاف و درستکار است، داوری او را قبول داریم.
حضرت محمد وارد شد. داستان اختلاف را برایش گفتند. اندکی فکر کرد، سپس فرمود: بزرگان مکه، همه باید در این کار مهم، شرکت کنند.
مردم از روی تعجب پرسیدند: مگر می‌شود؟!... چگونه؟!

حضرت محمد فرمود: بزرگ هر طایفه‌ای حاضر شود. همه حاضر شدند و نزدیک آمدند. حضرت محمد، عبایش را، روی زمین پهن کرد و حجرالاسود را برداشت و در عبا گذاشت. سپس به آنها فرمود: همه، اطراف عبارا بگیرید و حجرالاسود را بردارید و بیاورید!

همه باهم، حجرالاسود را تا جایگاه مخصوص آوردند، آنگاه حضرت محمد حجرالاسود را برداشت و در جایگاه مخصوصش گذاشت.
مردم مکه، همه راضی و خشنود شدند و به کاردانی حضرت محمد، آفرین گفتند.

پیامبر ما، حضرت محمد، در آن زمان جوان بود و هنوز به پیغمبری

برگزیده نشده بود. ولی آن قدر درستکار و امین بود که به نام «محمد امین» معروف بود؛ مردم به وی اعتماد داشتند و چیزهای گرانبهای خود را به او می‌سپردند، حضرت محمد در نگهداری امانتها کوشش می‌کرد و سالم تحويل



صاحبانش می‌داد. برای برطرف کردن اختلافات، به او مراجعه می‌کردند و همه،
داوری او را، قبول داشتند.

دروド و سلام فراوان، بر پیغمبر درستکار و امین





- ۱ - پیامبر ما، در جوانی، به چه نامی معروف شده بود؟ ... چرا؟
- ۲ - وقتی حضرت محمد، از در «مسجدالحرام» وارد شد، مردم چه گفتند؟
- ۳ - از دوستان شما، چه کسی در نگهداری امانتها، کوشاتر است؟
- ۴ - کدام یک از دوستان شما، بیشتر مورد اعتماد است؟
- ۵ - آیا دوستان شما، به شما اعتماد دارند؟ آیا داوری شما را قبول دارند؟
- ۶ - آیا از کتابخانه دستان، کتابی به امانت گرفته‌اید؟ از این کتاب چگونه نگهداری می‌کنید؟
- ۷ - اختلاف مردم مکه در چه چیزی بود و حضرت محمد چگونه اختلاف آنان را حل کرد؟

پیامبر مهربان

پیامبر گرامی، حضرت محمد صلی الله علیه و آله همیشه نسبت به ناتوانان و سالخوردگان و کودکان مهربان و دلسوز بود. حتی در نماز جماعت، رکوع و سجده را طول نمی‌داد مبادا بر سالخوردگان و بیماران دشوار افتاد. اما برخلاف معمول یک روز سجدۀ نمازش طولانی شد. یکی از اصحاب که در این نماز جماعت شرکت داشت می‌گوید: طبق معمول، سر از سجده برداشتم ولی دیدم پیامبر هنوز در سجده است. دوباره به سجده رفت، صبر کردم تا پیامبر سر از سجده برداشت و تکبیر گفت؛ با شنیدن صدای تکبیر، سر از سجده برداشتم. کسی نمی‌دانست چرا پیامبر این سجده را برخلاف معمول طولانی‌تر کرده است.

هنگامی که نماز تمام شد یکی از اصحاب نزد پیامبر رفت و گفت: يا رسول الله! شما همیشه سجدۀ نماز جماعت را کوتاه می‌کردید. چه شد که این بار سجده را طولانی‌تر نمودید؟! پیامبر فرمود: هنگامی که در سجده بودم و می‌خواستم سر از سجده بردارم کودک خردسالم حسن آمد و بر پشتمن سوار شد. او تازه سوار شده بود و دوست داشت اندکی بر پشت من بنشیند. قدری سجده را طولانی‌تر کردم، تا آن کودک خردسالم دلگیر نشود، و با میل خود پایین بیاید. پیامبر گرامی ما آن قدر کودکان را دوست می‌داشت که حتی در حال نماز هم نسبت به آنان دلسوزی می‌کرد. پیامبر به اصحاب سفارش می‌فرمود و می‌گفت:

محبت و خوشرفتاری با کودکان از اخلاق پیغمبران است. هر کس

بزرگترها را احترام نکند و به خردسالان مهربان و دلسوز نباشد از مسلمانان نیست.

؟ فکر کنید و باسخ دهید

- ۱ - چرا پیامبر در نماز جماعت سجده‌اش را کوتاه می‌کرد؟
- ۲ - چرا در آن نماز سجده را طولانی تر کرد؟
- ۳ - پیامبر با کودکان چگونه رفتار می‌کرد؟
- ۴ - درباره کودکان به اصحابش چه سفارش کرد؟
- ۵ - درباره بزرگترها چه سفارش کرد؟
- ۶ - اخلاق پیامبران در برخورد با کودکان چگونه بود؟
- ۷ - شما با پدر و مادر و معلم خود چگونه رفتار می‌کنید؟
- ۸ - با کوچکترها چگونه رفتار می‌کنید؟ آیا رفتار شما طبق سفارش پیامبر است؟

دین اسلام، آخرین و بهترین دین آسمانی

دین اسلام بهترین و کامل‌ترین دین‌ها است، خدای مهربان، دین اسلام را به وسیله حضرت محمد – صلی الله علیه و آله – برای ما فرستاده است، تاراه پرستش خدا و بهترین روش زندگی را به ما بیاموزد. خدا می‌فرماید: هر کس دین اسلام را نپذیرد و دین و روش دیگری را انتخاب کند، از او قبول نمی‌شود و در جهان آخرت بیچاره و زیانکار می‌گردد.

دین اسلام به ما یاد می‌دهد که: چگونه خدا را بشناسیم. با پدر و مادر خود چگونه رفتار کنیم، با دیگران چگونه رفتار کنیم، چه کارهایی بکنیم تا در دنیا و آخرت سعادتمند گردیم. دین اسلام به ما یاد می‌دهد که: چه کارهایی «حلال» است و ما می‌توانیم آنها را انجام دهیم. و چه کارهایی «حرام» است و ما نباید آنها را انجام دهیم. اسلام رهایی بخش همه انسان‌های ستمدیده جهان است.

مسلمان کیست؟

مسلمان کسی است که:

- ۱ — به خدای یگانه و جهان آخرت ایمان داشته باشد.
- ۲ — حضرت محمد را «آخرین پیغمبر خدا» بداند.
- ۳ — در همه کارها تسلیم دستورهای خدا و حضرت محمد باشد.
- ۴ — دوست و یاور مسلمانان و دشمن ستمگران باشد.

- ۱ - دین اسلام دو چیز مهم به ما می‌آموزد، آن دو چیست؟
- ۲ - سرانجام کسی که اسلام را پذیرد، چیست؟
- ۳ - به چه کارهایی «حلال» می‌گویند و به چه کارهایی «حرام»؟
- ۴ - مسلمان کیست؟ چهار ویزگی اساسی یک مسلمان را بگوید.
- ۵ - راه رهایی انسانهای ستمدیده جهان چیست؟

قرآن پیام خدا

قرآن پیام آسمانی و برنامه زندگانی است. خدای مهربان، این کتاب نورانی را به وسیله حضرت محمد صلی الله علیه و آله برای ما و همه مردم جهان فرستاده است.

قرآن کتاب آزادی و هدایت است. بهترین راه زندگی را به ما می‌آموزد. راه خداشناسی و عبادت را یاد می‌دهد. اخلاق خوب و بد را معرفی می‌کند.

درس فداکاری و جانبازی می‌دهد. قرآن پیام خون و شهادت است: به ما می‌گوید: ستم نکنید اما در برابر ستمگران نیز تسلیم نباشید. از مرگ و شهادت نهراشید و با ستمگران سازش نکنید. قرآن به ما می‌گوید: با نیروی ایمان به الله تکیه کنید و از غیر خدا نترسید و بر بیدینان و ستمگران یورش برید و آنان را خوار و ذلیل گردانید.

قرآن به ما می‌گوید: همه باهم متحد و یکصدا باشید و از مقام رهبری اطاعت کنید و به فرمان او بر ستمگران بتازید و انسان‌ها را از بند ستم آزادورها سازید، تا در این جهان، سر بلند و آزاد باشید و در جهان آخرت، سعادتمند و کامیاب گردید.

مسلمان باید خواندن قرآن را یاد بگیرد و معنای آن را با راهنمایی دانشمندان دین بفهمد. هم خودش به دستورهای رهایی بخش قرآن عمل کند و هم به دیگران بیاموزد.

پیامبر گرامی ما فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به

دیگران یاد بدهد و باز فرمود: هر کس به قرآن عمل کند به بیهودت می‌رود و هر کس قرآن را پشت سر بیندازد به جهنم خواهد رفت.

۲ فکر کنید و پاسخ دهید

- ۱ - قرآن سخن و پیام کیست؟
- ۲ - شما برای یاد گرفتن قرآن، چه برنامه‌ای دارید؟
- ۳ - کسی که به دستورهای قرآن عمل کند، در این جهان و در جهان آخرت چگونه زندگی خواهد کرد؟
- ۴ - سخن پیامبر در مورد یاد گرفتن و یاد دادن قرآن چیست؟
- ۵ - پشت سر آنداختن قرآن یعنی چه؟ سخن پیامبر در این مورد چیست؟

جمله‌های زیر را کامل کنید

- ۱ - قرآن پیام _____ و برنامه _____ است.
- ۲ - خدای مهربان این کتاب نورانی را به وسیله _____ برای همه مردم فرستاده است.
- ۳ - قرآن کتاب آزادی و _____ است.
- ۴ - قرآن به ما می‌گوید: ستم نکنید اما در برابر _____ نیز تسلیم نباشید.
- ۵ - قرآن به ما می‌گوید: از مرگ و شهادت _____ و باستعفان _____ نکنید.
- ۶ - قرآن به ما می‌گوید: با هم متحدّ و _____ باشید.

مایم همه مطبع قرآن
مایم نگاهدارش از جان



قرآنِ روشنگر

قرآن که کتاب آسمانی است روشنگر راه زندگانی است
قرآن که نشان دهد ره راست برنامه زندگانی ماست
خیر دو جهان برای انسان حاصل شود از عمل به قرآن

* * *

فرموده پیامبر: ای مسلمان هر کس که عمل کند به قرآن
قرآن همه جا مقابل اوست گلزار بهشت، منزل اوست
اما به جهنم است، جایش آنکس که نکرد اعتناش

* * *

این است کتاب دینی ما برنامه جاودانی ما
ما یم همه مطیع قرآن
ما یم نگاهدارش از جان

شعر از: حبیب‌الله چابچیان

این شعر را حفظ کنید.

آشنایی با آداب و اخلاق اسلامی

جشن

درس پانزدهم

سلام، سخنی مهرا فزا

پیامبر گرامی ما، حضرت محمد – صلی اللہ علیہ وآلہ – و یارانش نشسته بودند و با یکدیگر صحبت می کردند. شخصی بدون اجازه وارد شد و سلام هم نکرد. پیغمبر به او فرمود:

چرا سلام نکردی؟! چرا اجازه نگرفتی؟! برگرد، ...

اجازه بگیر و سلام کن و بعد، وارد شو.

و نیز درباره سلام کردن فرموده است:

* ای مسلمانان! شما وارد بهشت نمی شوید، مگر اینکه باهم مهربان باشید

و باهم مهربان نمی شوید، مگر وقتی یکدیگر را می بینید، باگرمی بهم سلام کنید.

* همیشه آشکار و بلند سلام کنید و جواب سلام را هم بلند و آشکار بدھید.

* کسی که اول سلام کند، خدای مهربان، ثواب و پاداش بهتری به او

می دهد و او را بیشتر دوست می دارد.

* اول سلام کنید، سپس سخن بگویید.

آیا نامش را می‌دانی؟

شاید او یکی از دوستان شما باشد. او می‌کوشد، تا آداب اسلامی را یاد بگیرد و به آن عمل کند.

به دیگران با گرمی، سلام می‌کند، و هر کس به او سلام کرد، با خوش‌رویی، جواب می‌دهد و می‌گوید «سلام علیکم». هنگامی که دوستان خود را می‌بیند، خوشحال می‌شود و با مهربانی و روی خوش دست می‌دهد و سلام و احوال پرسی می‌کند.

هنگامی که احوالش را می‌پرسند، در جواب می‌گوید: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ خَوْبِي». وقتی وارد منزل می‌شود، به پدر و مادر و همهٔ اهل منزل سلام می‌کند و وقتی از منزل بیرون می‌رود «خداحافظ» می‌گوید.

هر کس به او نیکی کرد، تشکر می‌کند، یعنی می‌گوید: «متشکرم» و اگر توانست جبران می‌کند.

وقتی وارد مجلسی می‌شود با صدای رسان، سلام می‌کند و هر جا که مناسب باشد می‌نشیند.

در مقابل کسی انگشت در بینی نمی‌کند، آب دهان نمی‌اندازد، در حضور دیگران پاهایش را دراز نمی‌کند.

در میان صحبت دیگران حرف نمی‌زند، پر حرفی نمی‌کند، بی‌جهت داد و فریاد نمی‌کند، همیشه آرام و با ادب سخن می‌گوید.

موقع عطسه کردن دستش را جلوی بینی و دهانش می‌گیرد و بعد از عطسه **الْحَمْدُ لِلّٰهِ** می‌گوید. آیا او را می‌شناسی؟ آیا می‌توانی نامش را بگویی؟

خدا او را دوست دارد و به او پاداش نیک می‌دهد.
 مردمان خوب نیز او را دوست دارند و به او احترام می‌کنند.
 آیا شما هم او را دوست دارید؟

فکر کنید و پاسخ دهید

- ۱ - پیامبر گرامی ما، حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - به آن مرد که بی‌اجازه وارد شده بود، چه فرمود؟ مگر او چه اشتباہی کرده بود؟
- ۲ - چگونه باید سلام کرد؟ چگونه باید سلام را جواب داد؟
- ۳ - چه کسی از دوستان شما می‌کوشد تا «پیش‌تر» سلام کند؟
- ۴ - شما وقتی می‌خواهید وارد اتاق کسی شوید، چه می‌کنید؟
- ۵ - کدامیک را خدا بیشتر دوست دارد، کسی که اول سلام می‌کند، یا کسی که بعداً جواب می‌دهد؟

با پدر و مادر چگونه رفتار کنیم؟

جوانی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و گفت: ای فرزند پیامبر! پدری دارم که پیر و ناتوان شده است: نمی‌تواند کار کند، نمی‌تواند راه برود، حتی برداشتن لقمه هم برایش دشوار است، ناچارم در همه کارها به او کمک کنم.



امام صادق فرمود: چه خوشبخت و چه سعادتمندی! که این چنین بامهر بانی
به پدرت خدمت می کنی. همه کارهای پدر را - تا آنجا که می توانی - خودت
بر عهده بگیر، لباسهاش را تمیز کن، دست و صورتش را بشوی، او را به حمام
بیر، با دست خود لقمه در دهانش بگذار و در همه حال احترامش را نگهدار. در
موقع فراغت نزدش بشین و از وی دلجویی کن، به حرفاش توجه کن و
دلداریش بده، مبادا به او بی احترامی کنی، مبادا سخن تندی بگویی، مبادا کاری
کنی که از تو ناراحت و غمگین شود.
او در کودکی برای تو زحمتها کشیده و رنجها برده است اکنون وظیفه
داری که به یاریش بشتابی و خدمتگزارش باشی.
خدا را سپاسگزار باش که به تو نیرو داده تا به پدرت خدمت کنی و به این
وسیله سعادتمند گردی. خدا خواسته که به این وسیله تو را بیامرزد و از عذاب
دوزخ در اهانت بدارد و بهترین پاداشها را در بهشت به تو ببخشد.
خدا فرمان داده که جز اورا نپرستیم و در همه حال با پدر و مادر مهر بان
و نیکوکار باشیم.

- ۱ - چرا امام صادق به آن جوان گفت چه خوشبخت و چه سعادتمندی؟
- ۲ - امام صادق چه دستورهایی به جوان داد؟ پنج جمله از آن جملات را بگویید.
- ۳ - خدا در بارهٔ رفتار با پدر و مادر چه فرمان داده است؟
- ۴ - شما در چه کارهایی به پدر و مادر خود کمک می‌کنید؟
- ۵ - امام صادق چرا به آن جوان سفارش کرد که سپاسگزار خدا باشد؟ مگر او چه خدمتی می‌نمود؟

این درس را برای افراد خانوادهٔ خود بخوانید و دربارهٔ وظیفهٔ اعضای خانواده نسبت به پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ با هم گفتگو کنید.

امامت و رهبری

آشنایی با امامان

اخلاق و رفتار خوب آنان

جنبش ۵

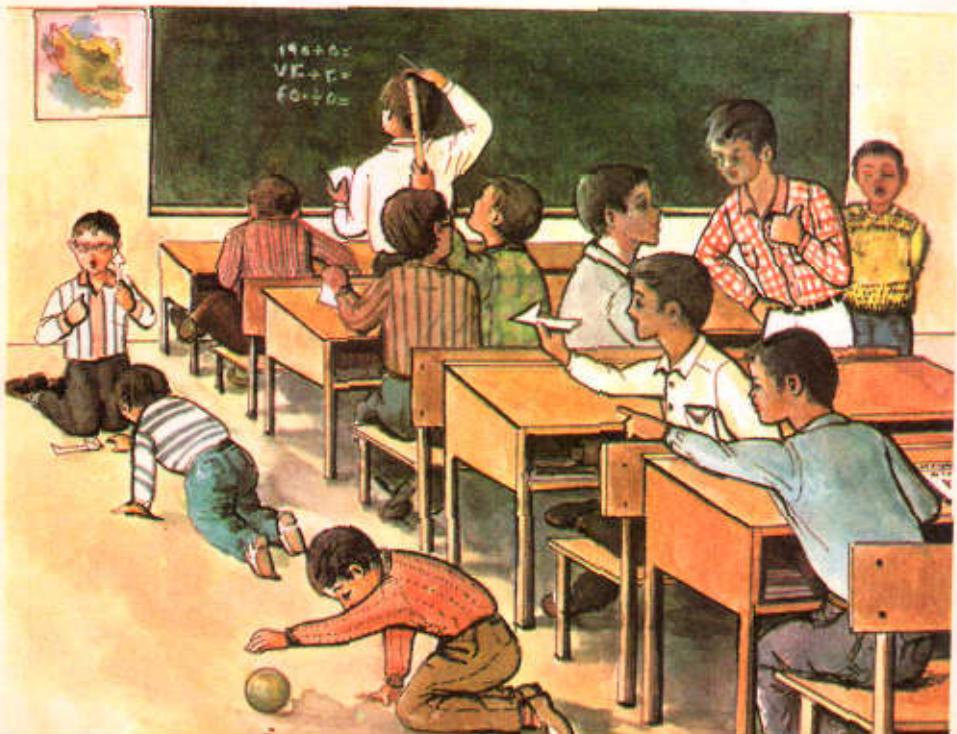
درس هفدهم

امام، رهبر امت

آموزگار در کلاس چه می کند؟

آیا شخص نادان می تواند آموزگار باشد؟

اگر آموزگار نتوانست مدتی سرکلاس حاضر شود چه کسی را به جایش می گذارند که درس بدهد؟ آیا شخص نادان می تواند جانشین آموزگار گردد؟



آیا می‌دانید: چه کسی، بعد از پیغمبر، کارهای او را، انجام می‌دهد؟
آیا می‌دانید: پیشوای مردم، بعد از پیغمبر کیست؟
آیا می‌دانید: چه کسی بعد از پیغمبر، قانونهای دین را نگهداری
می‌کند؟

آیا می‌دانید: امت اسلامی را بعد از پیغمبر چه کسی رهبری و
سرپرستی می‌نماید؟

* * *

امام رهبر دین و جانشین پیغمبر است و بعد از پیغمبر کارهای او را انجام
می‌دهد. امام، ولی و پیشوای مردم است. سرپرستی و اداره جامعه اسلامی بر عهده
اوست. امام قانونها و دستورهای دین را می‌داند و به مردم می‌رساند. امام نیز
مانند پیغمبر، یک رهبر کامل است.

آنچه برای رهبری لازم است، همه را می‌داند: خدا را بهتر از همه انسانها
می‌شناسد، از حلال و حرام دین اطلاع دارد. اخلاق خوب و بد را می‌داند، از
وضع قیامت و بهشت و جهنم اطلاع دارد. راه پرستش خدا و رستگاری را می‌داند.
در علم و دانش و قدرت رهبری از همه مردم بالاتر است و هیچ کس به
مرتبه او نمی‌رسد.

خدای دانا، به وسیله پیغمبر، همه این علوم را، به امام داده است و پیغمبر
به امر خدا رهبری و سرپرستی امت اسلامی را باو سپرده است.

امام، حافظ و نگهدار دین و ولی و رهبر جامعه مسلمین است.

ولی = سرپرست و رهبر

- ۱ - آیا می‌دانید امام کیست؟
- ۲ - پیامبر به فرمان چه کسی امام را تعیین می‌کند؟ چه مسئولیتی را بر عهده اش می‌گذارد؟
- ۳ - دانایی و آگاهی و قدرت رهبری امام چگونه است؟ آیا کسی به مرتبه اش می‌رسد؟
- ۴ - این دانایی و آگاهی و قدرت رهبری را چه کسی در اختیار امام گذارد است؟

جمله‌های زیر را کامل کنید

- ۱ - امام _____ دین و جانشین پیغمبر است.
- ۲ - امام پیشوای مردم است و _____ بر عهده اوست.
- ۳ - خدای دانا _____ همه این علوم را به امام یاد داده است.
- ۴ - پیغمبر به امر خدا _____ را به او سپرده است.
- ۵ - امام _____ دین و _____ جامعه مسلمین است.

نخستین امام

حضرت امیر المؤمنین، امام علی علیه السلام

نخستین امام ما، حضرت امیر المؤمنین امام علی – علیه السلام – است. پیغمبر بزرگ اسلام، به فرمان خدا، حضرت علی را به مردم معرفی کرد و ولایت و سرپرستی امت اسلامی را به او سپرد. تا بعد از خودش امام و پیشوای مردم باشد و آنان را رهبری کند.

حضرت علی – علیه السلام – روز سیزدهم ماه ربیع، در شهر مکه به دنیا آمد. نام پدرش ابوطالب و نام مادرش فاطمه (دختر آسد) است.

حضرت علی پسر عمومی پیغمبر بود، از کودکی به خانه پیغمبر آمد و زیر نظر پیغمبر تربیت شد و آداب زندگی را به خوبی یاد گرفت. و در آن خانه بزرگ شد.

حضرت علی (ع) پسر باهوش و زرنگی بود. گفته‌های پیغمبر را خوب می‌فهمید و عمل می‌کرد. هر گز دروغ نمی‌گفت، فحش نمی‌داد، با ادب و شیرین زبان بود. به مردم احترام می‌گذاشت، درستکار و پاکیزه بود. در کارها به پیغمبر کمک می‌کرد. پسر شجاع و نیرومندی بود. با کودکان دوست و مهربان بود. آنها را اذیت نمی‌کرد، اما هیچ‌کس هم جرأت نداشت او را اذیت کند.

حضرت محمد، سالی یک ماه، به کوه «حراء» می‌رفت و در آن جا عبادت می‌کرد، حضرت علی در آن روزها، برای حضرت محمد، آب و غذا می‌برد. حضرت علی می‌فرمود: من در کوه حراء با پیغمبر بودم و آثار پیغمبری را در او می‌دیدم.

حضرت علی نخستین مردی بود که دعوت پیامبر اسلام را پذیرفت، در آن وقت، تقریباً ده سال داشت، اما بقدرتی باهوش و خوش فهم بود که خوب و بدرا کاملاً تشخیص می‌داد و صداقت پیامبر و ارزش دعوتش را درمی‌یافت و می‌فهمید که حضرت محمد راست می‌گوید و از طرف خدا، پیغمبر شده است.

فکر کنید و پاسخ دهید

- ۱ - نام نخستین امام ما چیست؟ چه کسی او را برای امامت تعیین نمود؟
- ۲ - حضرت علی در کدام شهر به دنیا آمد؟ در چه ماهی؟ و در چه روزی؟
- ۳ - نام پدر و مادرش، چه بود؟ با پیغمبر چه نسبتی داشت؟
- ۴ - او چگونه پسری بود؟ آیا کودکان را آزار می‌داد؟ آیا کودکان دیگر او را اذیت می‌کردند؟ ... چرا؟
- ۵ - تربیت کننده او که بود؟ در چند سالگی دعوت پیامبر را پذیرفت؟
- ۶ - تربیت کننده شما کیست؟ رفتار شما چگونه است؟
- ۷ - آیا از حضرت علی - علیه السلام - درست پیروی می‌کنید؟

کار و بخشش

حضرت علی - علیه السلام - مرد پر کار و کاردانی بود، در کشاورزی و درختکاری کوشش می نمود، چندین مزرعه و باغ را آباد کرد و همه را در راه خدا، مصرف نمود.

یک قطعه زمین در اطراف مدینه تهیه کرد تا آن را آباد کند. تصمیم گرفت برای آبیاری آن زمین چاهی بکند، برای کندن چاه جای مناسبی را پیدا کرد و به امید خدا مشغول کار شد.

روزها می گذشت ولی از آب خبری نبود.

روزی حضرت علی کلنگ را برداشت و داخل چاه شد، و مدتی با کوشش و جدیت، کار کرد اما باز هم از آب خبری نشد. خسته، از چاه بیرون آمد، عرقهای پیشانی را با دست پاک کرد، قدری استراحت نمود و دوباره داخل



چاه رفت. طوری کلنگ می‌زد که صدای نفسش از دور شنیده می‌شد. ضربه محکمی کوبید، زمین شکافته شد، آب جوشید و بالا آمد.

حضرت علی - علیه السلام - با عجله از چاه بیرون آمد؛ چاه عجیبی بود. مردم برای تماشا جمع شدند، هر یک از تماشاچیان چیزی می‌گفت. یکی می‌گفت: علی مرد کاردان و دانائی است.

دیگری می‌گفت: چون علی مرد خوب و خیرخواهی است، خدا برایش خوب خواست.

دیگری می‌گفت: علی و فرزندانش برای همیشه ثروتمند شدند. یکی تبریک می‌گفت، دیگری حسودی می‌کرد.

حضرت علی، فرمود: قلم و کاغذی برایم بیاورید! وقتی قلم و کاغذ حاضر شد، حضرت علی - علیه السلام - در کناری نشست و چنین نوشت:

سُبْحَانَ رَبِّ الْعَالَمِينَ

این چاه را باز نیسمای اطرافش وقت کردم که در آمش ادر راهای زیر به صرف بے نامند:

۱- به درمانگان و بسیواریان چکت شد.

۲- به سالمی که در راه بی خرجی مانده اند چکت شد.

۳- برای عدوی حشتران پر از تیم بصرف برد.

۴- به مباران فخر چکت شد.

۵- در کارهای خیر کنفع همگانی اراده به صرف برد.

این چاه را برای صرف ای خدا و اباب آمرت وقت کردم تا از آتش هنیم سنجات کنم. امنا، علی بن ابی طا

- ۱ - حضرت علی - عليه السلام - درآمد چاه و زمینهای اطرافش را برای چه کارهایی قرارداد؟
- ۲ - چند کار خیر را که نفع همگانی دارد بشمارید.
- ۳ - کارهای خیری را که برای دوستان شما سودمند است و شما می‌توانید آنها را انجام دهید، بشمارید.
- ۴ - حضرت علی - عليه السلام - چرا آن چاه را، وقف کرد؟
- ۵ - شما، چه کارهایی را انجام می‌دهید، تا از آتش جهنم نجات پیدا کنید؟
- ۶ - درسهایی را که از این داستان، باید آموخت، برای دوستان خود بگویید.
- ۷ - سه صفت از صفاتی که برای حضرت علی در این درس آمده است، بگویید.

امام دوم

حضرت امام حسن، علیه السلام

امام دوم ما شیعیان، حضرت امام حسن – علیه السلام – است، پدرش حضرت علی – علیه السلام – و مادر گرامیش، فاطمه دختر پیغمبر است. در پانزدهم ماه رمضان، سال سوم هجری، در مدینه به دنیا آمد. حضرت محمد (ص) امام حسن را بسیار دوست و گرامی می‌داشت او را می‌بوسید و می‌فرمود: حسن را دوست دارم و دوستداران حسن را نیز دوست دارم.

و می‌فرمود: حسن و حسین، بهترین جوانان اهل بهشتند.

امام حسن (ع) بسیار دانا و پرهیزگار بود، در نماز و عبادت کوشش می‌کرد. بینوایان و درماندگان را دوست می‌داشت و به آنان کمک می‌کرد. حضرت علی – علیه السلام – به دستور پیغمبر، امام حسن را معرفی فرمود که بعد از خودش ولی و امام مردم باشد.

امام حسن پیوسته به مردم آگاهی می‌داد و در افشاگری و رسوا ساختن ستمگران کوشش می‌کرد تا دروغگویی و فربیکاری آنان روشن شود و زمینه مبارزه آماده گردد. و سرانجام، روز بیست و هشتم ماه صفر، سال پنجاه هجری شهید شد و بدنش را در مدینه، به خاک سپردهند. درود فراوان بر او باد.

- ۱ - حضرت امام حسن، در چه سالی به دنیا آمد؟ در چه ماهی؟ در چه روزی؟
- ۲ - نام پدرش چه بود؟ نام مادرش چه بود؟
- ۳ - حضرت محمد درباره امام حسن چه فرمود؟
- ۴ - رفتار حضرت امام حسن با بینوایان چگونه بود؟
- ۵ - چه کسی امام حسن را برای امامت و ولایت تعیین کرد؟ به دستور که بود؟
- ۶ - حضرت امام حسن، در چه روزی، شهید شد؟
- ۷ - بدنش را کجا به خاک سپرندند؟
- ۸ - آیا داستانی از رفتار و اخلاق حضرت امام حسن می‌دانید؟ بیان کنید.

کمک به درماندگان

امام حسن علیه السلام تازه وارد منزل شده بود. خسته بود و می‌خواست استراحت کند. در این هنگام مردی در زد، اجازه گرفت و وارد منزل شد. سلام کرد و نشست، امام حسن جواب داد و احترام گذاشت و احوال پرسی کرد. مرد نشسته بود و چیزی نمی‌گفت، معلوم بود کاری دارد اما خجالت می‌کشد. امام حسن نگاهی به چهره پریشان او کرد و ناراحت شد، می‌دانست مرد گرفتاری است، منتظر بود درد دل کند تا به دادش برسد. مرد تازه وارد آهی کشید و گفت: ای فرزند گرامی امیر المؤمنین! من از دشمن به شما پناه آورده‌ام، دشمن خطرناک و ستمگر و بی‌رحم. دشمنی که نه به بزرگسالان احترام می‌گذارد، نه بر کودکان خردسال ترحم می‌کند، این دشمن نیرومند و بدکردار روزگارم را سیاه کرده است، جانم به تنگ آمده و بیچاره شده‌ام. ای پسر پیامبر! بفریادم برس و از این دشمن بی‌رحم نجاتم بده.

امام حسن علیه السلام که به سخنان مرد خوب گوش می‌داد با ناراحتی فرمود: دشمنت کیست؟ دشمنت هر که باشد من از تو دفاع می‌کنم. من مسلمانم و مسلمان باید از برادر ستمدیده‌اش دفاع کند و حقش را بگیرد. بگو دشمنت کیست؟ آن مرد که از شدت خجالت صورتش سرخ شده بود آهسته گفت: دشمن من فقر و تهی‌دستی است، همین دشمن بزرگ است که نه به پیرمرد احترام می‌گذارد، نه بر کودکان ناتوان ترحم می‌کند. ای پسر پیامبر! من بیکار و تنبل نیستم. من کار می‌کنم اما به مقدار مخارج درآمد ندارم، گرفتاریها و پیش‌آمدهای زندگی مرا پریشان ساخته است. مفرض و بی خرجی هستم. شعا خانواده کرم و

سخاوت هستید. آیا می‌توانید مرا از این وضع رقت‌بار نجات دهید؟
امام حسن که خیلی غمناک و ناراحت شده بود، به خدمتگزارش فرمود:
هرچه پول در منزل داریم زود حاضر کن. خدمتگزار پولهای موجود منزل
را در کیسه‌ای ریخت و خدمت امام آورد. آن حضرت پولها را به مرداد و
عذرخواهی کرد. فرمود: «با این پولها قرضت را بد و مشکلات زندگی خود را
بر طرف ساز، آن‌گاه با فکر آزاد مشغول کسب و کار شو. امیدوارم با کار و
کوشش بی‌نیاز‌گردی. اما تو را سوگند می‌دهم که اگر این دشمن باز هم به تو
حمله کرد شکایش را نزد من بیاور.»

فقر و تنگدستی زحمتکشان و بی‌نوایان به این جهت است که حقشان به
طور کامل ادا نمی‌شود.

توجه به وضع زندگی تنگدستان و بی‌نوایان و رسیدگی به آنان و
انفاق و احسان به محتاجان و ناتوانان حقی است که آنان بر گردن
ثروتمندان و بی‌نیازان دارند.

ما مسلمانان وظیفه داریم که این حق درماندگان و تهمیدستان را نادیده
نگیریم و به آنان کمک کنیم و از حقوق آنان دفاع نماییم و کوشش کنیم در بین
مردم عدل و احسان و برادری برقرار شود، تا دیگر فقیر و درماندهای نباشد.



- ۱ — مسلمان دربارهٔ برادر ستمدیده‌اش چه وظیفه‌ای دارد؟
- ۲ — آن مرد تهیدست، دشمن خود را چگونه به امام حسن معرفی کرد؟
- ۳ — وقتی امام حسن پولها را به آن مرد نیازمند داد، به او چه فرمود؟ دربارهٔ چه چیز اظهار امیدواری نمود؟
- ۴ — وظیفه ما نسبت به درماندگان و تهیدستان چیست؟

امام سوم

حضرت امام حسین، علیه السلام

حضرت امام حسین – علیه السلام – امام سوم شیعیان می‌باشد.

پدرش حضرت علی و مادر گرامیش فاطمه، دختر پیغمبر است.

در سال چهارم هجری، سوم ماه شعبان، در شهر مدینه به دنیا آمد.

بعد از امام حسن، به امامت و رهبری رسید. پیغمبر، امام حسین را بسیار

دوست می‌داشت، او را می‌بوسید و می‌فرمود: حسین از من و من از حسین

هستم، هر کس حسین را دوست بدارد، خدا او را دوست می‌دارد.

امام حسین، دانا و پرهیزگار بود، به بینوایان و درماندگان و کودکان یتیم

رسیدگی می‌کرد، شجاع و نیرومند بود و تن به خواری نمی‌داد. با ستمکاران

مبازه می‌کرد، راستگو و دُرستکار بود، از دوروبی و چاپلوسی بخش می‌آمد.

امام حسین به اصحاب خود می‌فرمود:

«مگر نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌کنند و از باطل دست نمی‌کشند؟

در چنین وقتی مؤمن باید آماده جهاد و شهادت گردد و با باطل پیکار

نماید، که من مرگ در راه خدا را، جز نیکبختی نمی‌بینم و زندگی و سازش با

ستمکاران را جز خواری و آزردگی نمی‌دانم.»



- ۱ — امام سوم ما کیست؟ نام پدر و مادرش چیست؟
- ۲ — دو سخن از پیامبر درباره امام حسین بگویید.
- ۳ — هشت صفت از صفات امام حسین که در درس آمده است بگویید.
- ۴ — امام حسین به اصحاب خود، چه می فرمود؟
- ۵ — در چه وقتی مؤمن باید آماده جهاد و شهادت باشد و با باطل پیکار نماید؟
- ۶ — در نظر امام حسین مرگ در راه خدا چگونه و سازش با ستمکاران چگونه است؟

دستگیری و کمک، خدا را خشنود می‌کند

یکی از یاران پیغمبر، سخت بیمار شد، امام حسین – علیه السلام – به عیادتش رفت، دید بسیار ناراحت و غمگین است: ناله می‌کند، و آه می‌کشد.

امام حسین – علیه السلام – دلش به حال او سوخت و فرمود: برادر! چرا غصه می‌خوری؟! بگو، تا غم و غصه‌ات را برطرف کنم.

آن بیمار گفت: به مردم بدهکارم، چیزی هم ندارم که قرضم را بپردازم، می‌ترسم بمیرم و به مردم بدهکار بمانم.

امام حسین فرمود: برادر جان! غصه نخور، من ضامن می‌شوم که بدھی تو را بپردازم.



بیمار مسلمان گفت: دلم می خواهد، هنگام مرگ به کسی بدهکار نباشم،
می ترسم پیش از این که شما بدهکاری مرا بپردازید، مرگم فرا رسد و به مردم
بدهکار بمانم.

امام حسین فرمود: ناراحت نباش! امیدوارم قبل از فرا رسیدن مرگ،
قرض تو را بپردازم.

امام حسین - علیه السلام - خدا حافظی کرد و بیرون رفت و فوراً پولی
فراهرم کرد و قرض آن بیمار را پرداخت و به او خبر داد که: راحت باش! قرض
تو را پرداختم.

آن بیمار خوشحال شد. خدا هم از این دستگیری و کمک بسیار خشنود
گردید.

* * *

پیغمبر گرامی ما فرمود: هر کس مؤمنی را خشنود کند، مرا خشنود کرده و
هر کس مرا خشنود کند، خدا را خشنود کرده است.



- ۱ - وقتی یکی از دوستان شما بیمار می‌شود، آیا به عیادتش می‌روید؟
- ۲ - حضرت امام حسین - علیه السلام - از آن بیمار چه پرسید؟ آن بیمار در پاسخ چه گفت؟
- ۳ - امام حسین، ناراحتی آن بیمار را، چگونه برطرف کرد؟
- ۴ - آیا شما، به کسی بدھکار هستید؟... بهتر نیست بدھی خود را، زودتر پردازید؟
- ۵ - آیا امروز، مسلمانی را خشنود کرده‌اید؟... چگونه؟
- ۶ - پیامبر گرامی ما، دربارهٔ خشنود کردن یک مومن، چه می‌فرماید؟

کودک مبارز و شجاع

عبدالله پسر امام حسن علیه السلام بعد از شهادت پدرش، با عمویش امام حسین علیه السلام می‌زیست و به او بسیار علاقه داشت. امام حسین هم این برادرزاده خردسالش را خیلی دوست می‌داشت.

عبدالله با عموی خود به کربلا آمده بود و همه حوادث را از نزدیک می‌دید، برادران و عموزادگان خود را می‌دید که زره می‌پوشند و با فریاد الله اکبر شمشیرشان را می‌چرخانند و به میدان نبرد می‌شتابند و با دشمنان دین و قرآن می‌جنگند، منافقان کافر را می‌کشند و اسلام را با شهادت خود زنده می‌کنند.

عبدالله هم دلش می‌خواست به میدان برود و با ستمگران نبرد کند و از اسلام و از عمویش که رهبر اسلام بود دفاع کند ولی افسوس که او کوچک بود و اجازه‌اش نمی‌دادند.

همه دوستان، برادران، و همه سپاهیان امام حسین شهید شدند و عبدالله پیام یاران امام حسین را در آخرین لحظه‌های خدا حافظی می‌شنید که به یکدیگر سفارش می‌کردند که مبادا رهبر و امامتان را تنها بگذارید. این جمله را می‌گفتند و به میدان نبرد می‌شتابند و آگاهانه شهادت را بر می‌گزیدند.

آخرین سر باز امام حسین هم شهید شد و امام، خود به میدان مبارزه رفت، عبدالله کنار خیمه‌ها ایستاده بود و از دور عمویش را نگاه می‌کرد. ساعتی بعد دیگر عمویش را ندید. بی اختیار به سوی میدان دوید. عمه‌اش حضرت زینب خواست مانع شود ولی نتوانست. عبدالله، می‌خواست عمویش را پیدا کند و ازاو

دفاع نماید. با تلاش و اصرار خود را رها کرد و دوان دوان پیش رفت ...
بالاخره عمو را پیدا کرد. حیرت زده کنار پیکر در خون خفته عمو ایستاد
و خیره خیره به پیشانی خونین او نگریست. امام حسین چشم گشود و او را دید...
شمشیر یکی از دشمنان بالا رفت تا بر پیکر امام حسین فرود آید. عبدالله
برق شمشیر را دید سر برداشت و فریاد زد: آیا می خواهی عموی مرا بکشی؟ ای
نپاک خیانتکار! و بی درنگ دستش را سپر پیکر خونین عمو قرار داد.
شمشیر دشمن فرود آمد و دست عبدالله را قطع کرد. پیکر خونین آن
کودک شجاع و فداکار بر سینه امام حسین افتاد و همانجا به شهادت رسید و
برای همه کودکان پیام جهاد و آزادگی فرستاد.
امام حسین در آخرین لحظه‌ها به او گفت: عزیزم! شهادت افتخار ماست،
هم اکنون پدرت امام حسن و جدّت رسول خدا در بهشت در انتظار تو هستند و
من و تو به آنان می پیوندیم.

- ۱ - عبدالله که بود، نام پدرش چه بود؟
- ۲ - در روز عاشورا چه چیزهایی می‌دید؟
- ۳ - پیام باران امام حسین در آخرین لحظه‌های خداحفظی چه بود؟
- ۴ - چرا امام حسین (ع) به عبدالله اجازه نبرد نمی‌دادند؟
- ۵ - عبدالله چگونه شهید شد؟ پیش از شهادت به آن دشمن چه گفت؟
- ۶ - امام حسین در آخرین لحظه‌ها به آن کودک شجاع چه فرمود؟

آیا می‌توانید سرگذشت یکی از شهیدان انقلاب اسلامی ایران را بنویسید و در کلاس بخوانید؟

امام چهارم حضرت سجاد، علیه السلام

چهارمین امام شیعیان حضرت سجاد و نامش علی بود، در سال سی و هشت هجری، در مدینه به دنیا آمد.
 پدرش حضرت امام حسین – علیه السلام – و مادرش شهربانو بود.
 امام حسین – علیه السلام – به فرمان خدا او را برای امامت بعد از خود، تعیین نمود.

حضرت سجاد در کربلا حاضر بود ولی چون در روز عاشورا سخت بیمار بود، نتوانست با سپاهیان یزید بجنگد، و به همین جهت، شهید نشد.
 هنگام بازگشت از کربلا، در کوفه و شام سخنرانی می‌کرد و هدف مقدس پدرش را برای مردم، بیان می‌نمود و یزید ستمگر را رسوا می‌ساخت.
 امام سجاد – علیه السلام – دوست می‌داشت: کودکان یتیم و مردم بینوا و نابینا و زمین‌گیر، مهمانش شوند. به بسیاری از خانواده‌های فقیر، خوارک و پوشاک می‌داد.

حضرت سجاد، به قدری در عبادت خدا، گوشش می‌کرد که او را «زین العابدین = زینت عبادت کنندگان» و «سجاد = بسیار سجده کننده» نامیدند.
 پنجاه و هفت سال، در این جهان زندگی کرد و روز بیست و پنجم ماه محرم، در سال نود و پنج هجری، در مدینه به شهادت رسید و بدن مبارکش را در قبرستان بقیع به خاک سپردند.



- ۱ - نام چهارمین امام ما، چیست؟ پدرش گیست؟ نام مادرش چیست؟
- ۲ - بعد از شهادت پدرش، هدف او را، چگونه روشن می‌فرمود؟
- ۳ - «زین‌العابدین» یعنی چه؟ «سجاد» یعنی چه؟ چرا او را به این دو نام می‌خوانند؟
- ۴ - رفتار امام چهارم با درماندگان و بینوایان چگونه بود؟
- ۵ - عمر مبارکش، چندسال بود؟ در چه سالی و در چه روزی به شهادت رسید؟
- ۶ - بدنش را کجا به خاک سپردند؟

* تاکنون، با زندگی چهار امام، آشنا شده‌اید، نامشان را بترتیب بگویید.

گفتگو با خدا

پروردگارا! چشمها به خواب رفته‌اند، خورشید غروب کرده و ستارگان در آسمان ظاهر شده‌اند، اما تو، ای فرمانروای جهان! همیشه بیدار و زنده و پاینده هستی و جهان و جهانیان را اداره می‌کنی.

پروردگارا! فرمانروایان در کاخهای خود را محکم بسته‌اند، و نگهبان گمارده‌اند؛ اما، در خانه تو، ای خدای عزیز! همیشه و برای همه کس باز است و برای یاری گرفتاران و شفای دردمدان و کمک به ستمدیدگان آماده هستی. ای خدای مهربان! و ای محبوب جهانیان! این بندۀ ناتوان در این تاریکی شب، به خانه تو آمده، شاید به او نظر مرحمتی بفرمایی.

ای خدایی که در شباهای تار، به فریاد بیچارگان می‌رسی!

ای خدایی که گرفتاران را از بند، نجات می‌دهی!

ای خدایی که در سختیها و دشواریها بندگانت را یاری می‌کنی!

ای خدایی که دردمدان را شفا می‌دهی!

پروردگارا! مهمانهای تو، در اطراف خانهات به خواب رفته‌اند، ولی تو، ای خدای عزیز! تنها کسی هستی که خواب نداری و جهان و جهانیان را اداره می‌کنی.

پروردگارا! من در این شب تار، به خانه تو آمده‌ام و تو را می‌خوانم چون خودت فرموده‌ای که: مرا بخوانید.

خدایا! تو را به این خانه گرامی سوگند، بر دیده‌های گریان من تَرَحَّمْ کن.

پروردگارا! اگر بندگانت در خانه تو نیایند و به تو امیدوار نباشند در خانه که،



بروند و به چه کسی امیدوار باشند؟!



مردی که این مناجات را می‌شنید می‌گوید: از گفتگوی جوان راز و نیازکننده با خدا خوش آمد، نزدیک رفتم تا او را ببینم و بشناسم، دیدم امام سجاد «زین العابدین» است که اینگونه مناجات می‌کند.

درس بیست و هفتم

نماز بخوانیم

نماز بهترین توشه برای انسان است

نماز، از بهترین عبادتهاست. ما را به خدا نزدیک می‌کند و برای جهان

آخرت، بهترین توشه است.

اگر دُرُست نماز بخوانیم، در جهان آخرت، خوشبخت و سعادتمند

خواهیم شد.

حضرت محمد – صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ – می فرمود:

«دوست دارم در دنیا، نماز بخوانم، دلخوشی و چشم روشنی من، به نماز

است» و نیز می فرمود:

«نماز چون چشمۀ پاک و پرآبی است که نماز گزار، در هر شبانه روز، پنج

بار، خود را در آن شست و شو می دهد.»

در نماز، با خدای خوب و مهربان، سخن می گوییم و دل ما به سوی او،

توجه می کند. کسی که نماز نخواند، خدا و پیغمبر، او را دوست ندارند.

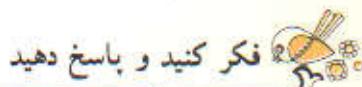
پیغمبر می فرمود: من از کسی که نماز واجبش را نخواند بیزارم.

خدا نمازگزاران را دوست دارد و به آنان پاداش بسیار نیک می‌دهد،
مخصوصاً کودکانی را که از کودکی نماز بخوانند، بسیار دوست می‌دارد.

* * *

نماز در زندگی این جهان نیز تأثیر فراوان دارد. کسی که نماز می‌خواند چون به خداوند توجه دارد، همواره در آرامش است. به آسانی از زشتیها و گناهان دوری می‌جوید و با آسودگی خاطر و پاکی روح زندگی می‌کند. انسانی که نماز می‌خواند با دیگران مهربان و خوش‌رفتار است و هرگز نسبت به مردم ظلم و ستم روانمی‌دارد و همواره یار مظلومان و مددکار محروم‌ان است.

نماز به مسلمانان نیرو می‌دهد و بر الفت و یگانگی آنان می‌افزاید.



- ۱ - حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - درباره نماز چه فرموده است؟ سه سخن از ایشان بگویید.
- ۲ - چگونه نماز بخوانیم تا در جهان آخرت، سعادتمند شویم؟
- ۳ - پیغمبر درباره کسی که نماز واجبش را نمی‌خواند، چه فرموده؟
- ۴ - خدا، چه کودکانی را بسیار دوست دارد؟
- ۵ - آیا شما هم از کسانی هستید که خدا آنها را بسیار دوست دارد؟
- ۶ - رفتار کسی که نماز می‌خواند چگونه است؟ چرا؟
- ۷ - نماز چه اثری در زندگی مسلمانان دارد؟

چگونه نماز بخوانیم^(۱)

* رو به قبله می‌ایستیم و نیت نماز می‌کنیم یعنی قصد می‌کنیم که برای

تقرّب به خداوند نماز صبح یا ظهر یا مغرب و... می‌خوانیم.

* با آوردن دستها تا نزدیک گوش الله اکبر می‌گوییم و شروع به خواندن

سوره حمد^(۲) می‌کنیم.

* سپس یک سوره از قرآن مجید مانند سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ^(۳)

(سوره توحید) را می‌خوانیم.



(۱) — پیش از نماز باید وضو بگیرید، پیش مرتبی خود وضو بگیرید و پرسید: آیا وضوی من درست

است؟

(۲) و (۳) — سوره حمد و سوره توحید در بخش قرآن آمده است. به آنجا نگاه کنید.

* آنگاه به رکوع می‌رویم و

سُبْحَانَ رَبِّ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ يَا سَهْ بَار

سُبْحَانَ اللَّهِ مَنْ كَوَيْمَ وَسَرَّ از رکوع

بر می‌داریم.



* در حال ایستاده می‌گوییم :

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ





* بعد به سجده می رویم و سُبْحَانَ رَبِّ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ یا سه بار سُبْحَانَ اللَّهِ می گوییم و از سجده بلند می شویم و می نشینیم و دوباره به سجده می رویم و همان ذکر را می گوییم و از سجده دوم بلند می شویم و می نشینیم.

* سپس برای رکعت دوم برمی خیزیم و در اینحال می گوییم **بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوّتِهِ أَقُوْمُ وَأَقْعُدُ** و مانند رکعت اول حمد و سوره را می خوانیم و آنگاه قنوت می خوانیم و می گوییم:

**اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
رَبَّنَا أَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقَنَا عَذَابَ النَّارِ**

و آنگاه رکوع و دو سجده را مانند رکعت اول بجا می آوریم.





* سپس می نشینیم و تشهید می خوانیم.

أشهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَجْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشَهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

آنگاه اگر نمازمان دو رکعتی مانند نماز صبح بود سلام می دهیم و

می گوییم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى
عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و نماز تمام می شود.

* و اگر نماز بیش از دو رکعت بود بر می خیزیم و در رکعت سوم «تسنیمات آربعه» می خوانیم و سه بار می گوییم:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.



و به رکوع و سجود می رویم و پس از برخاستن از سجده‌ها در نماز سه رکعتی (نماز مغرب) تشهد و سلام می خوانیم و اگر چهار رکعتی بود مانند نماز ظهر و



عصر و عشاء ، پس از سجده‌های رکعت سوم برمی‌خیزیم و رکعت چهارم را مانند رکعت سوم می‌خوانیم و آنگاه پس از رکوع و سجود تشهید می‌خوانیم و سلام می‌دهیم و نماز تمام می‌شود.

* * *

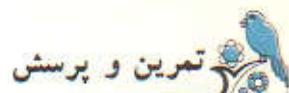
* نماز را باید با توجه کامل بجای آوریم و عجله نکنیم و کلمات را شمرده بخوانيم.

* در حال نماز نباید به این طرف و آن طرف نگاه نکنیم و حمد و سوره و ذکرهای نماز را باید با آرامش بدن، بدون حرکت و تکان خوردن بخوانيم.

* در حال سجده علاوه بر پیشانی که بر مهر و یا خاک پاک یا برخی چیزهای جایز دیگر می‌گذاریم، باید کف دستها و سر زانوها و سر انگشتان شست پاها نیز بر زمین قرار گیرد.

* * *

هر مسلمانی در شبانه‌روز پنج نماز می‌خواند:
 نماز صبح دو رکعت، از سپیده صبح تا طلوع خورشید
 نماز ظهر و عصر هر کدام چهار رکعت، از اوّل ظهر تا مغرب
 نماز مغرب سه رکعت و عشاء چهار رکعت، از اوّل شب تا نیمه‌شب
 گفتن اذان و اقامه پیش از نماز، مستحب است، چگونگی آن را از آموزگار خود یاد بگیرید.



- ۱ - برای نماز چگونه نیت می‌کنیم؟ (مثلاً برای نماز ظهر)
 - ۲ - در رکوع و در سجده چه می‌گوییم؟
 - ۳ - در قنوت نماز چه می‌خوانیم؟
 - ۴ - تشهّد و سلام نماز را بگویید.
 - ۵ - بدن ما در حال نماز باید چگونه باشد؟
- یک نماز کامل سه رکعتی (نماز مغرب) را برای یکی از افراد خانواده بخوانید.
 سعی کنید نماز خود را در مسجد بجا آورید.
- ۶ - هر مسلمان، در شبانه‌روز چند نماز می‌خواند، هر یک چند رکعت است؟

همیشه، پاکیزه باشیم

همه می‌دانیم که: چیزهای ناپاک و آلوده، برای سلامت ما زیان دارند و ما باید از آنها دوری کنیم.
مثالاً: ادرار و مدفوع انسان، آلوده و کثیف است و دین اسلام این دوران را نجس و ناپاک می‌داند.
اسلام به ما می‌گوید:

* اگر بدن یا لباس ما با آنها آلوده شد، باید با آب بشوییم تا پاک شود. بدن و لباس نمازگزار، باید کاملاً پاک و پاکیزه باشد.
* خوردن غذای نجس و آلوده، حرام است و گناه دارد.
اسلام به ما می‌گوید:

* وقتی به مستراح می‌روید، طوری بشینید که ذره‌های ادرار، به بدن و لباس شما نپاشد، زیرا ذره‌های ادرار، هر چند هم ریز باشند، بدن و لباس را آلوده و نجس می‌کنند.

* محل خروج ادرار را باید با آب بشوییم، یعنی دو یا سه مرتبه آب بریزیم تا پاک شود.

* محل خروج مدفوع را می‌توانیم با آب بشوئیم یعنی بر محل نجاست آب بریزیم و با دست چپ بشوئیم تا کاملاً پاک شود و یا می‌توانیم بوسیله سه قطعه چیز پاک مانند کاغذ یا سنگ... محل نجاست را کاملاً پاک کنیم.
خوب است بعد از بیرون آمدن از مستراح دستمن را با آب و صابون، بشوییم تا کاملاً پاک و پاکیزه شود.

رو به قبله یا پشت به قبله، ادرار کردن حرام است و گناه دارد.
هنگام ادرار کردن، باید نشسته باشیم.

پیامبر ما می فرماید:
ایستاده ادرار نکنید.

و در کنار نهرها و چاهها و زیر درختان میوه دار و در خیابانها و کوچه ها
ادرار نکنید.

* * *

دین اسلام دین پاکیزگی است و «پاکیزگی جزء دین است».
یک کودک مسلمان می کوشد تا بدن و لباس خود را پاک نگهدارد و
همیشه پاکیزه باشد.

فکر کنید و باسخ دهید

- ۱ - اگر لباسی نجس باشد، آیا می توان با آن نماز خواند؟
- ۲ - دو چیز نجس و ناپاک را بگویید.
- ۳ - اگر لباس یا بدن به آن دو چیز آلوده باشد، چگونه باید پاک کنیم؟
- ۴ - پیامبر در مورد ادرار کردن از دو کار نهی کرده اند، آن دو چیست؟
- ۵ - رو به قبله و پشت به قبله ادرار کردن چه حکمی دارد؟
- ۶ - آیا شما بدن و لباس خود را پاک و پاکیزه نگهداری می کنید؟

روزه از بهترین عبادتهاست

ماه رمضان بهترین ماههاست، ماه عبادت و نماز و روزه است، ماه گذشت و ایشار و فداکاری است. سحرهای بسیار زیبا و دلپذیری دارد. مسلمانان سحرهای این ماه مبارک بیدار می‌شوند و مناجات مسی کنند و نماز و دعا می‌خوانند. شما هم بارها دیده اید که پدر و مادرتان سحرهای ماه رمضان بر می‌خیزند، وضو می‌گیرند، نماز می‌خوانند، دعای سحر می‌خوانند و با خدای خویش راز و نیاز می‌کنند. سحری می‌خورند و نیت روزه می‌کنند و تا مغرب چیزی نمی‌خورند و نمی‌نوشند.

کودکان خوب نیز سحرهای ماه رمضان را دوست دارند، سحرگاه از خواب بیدار می‌شوند و در مراسم سحر با پدر و مادر شرکت می‌کنند و تا ظهر یا هر وقتی که توان دارند چیزی نمی‌خورند و به این ترتیب در ثواب و پاداش روزه‌داران شریک می‌شوند.

پذیرایی از مهمان در وقت افطار یکی از بهترین کارهای ما مسلمانان است. هر کس روزه‌داری را مهمان کند و افطاری دهد خدای بزرگ، خیر و رحمت فراوانش را بر او ارزانی می‌دارد.

- ۱ - ماه رمضان چه ماهی است؟ مراسم این ماه چیست؟
- ۲ - ما مسلمانان سحرهای ماه رمضان چه مراسmi را انجام می‌دهیم؟
- ۳ - کودکان چگونه در ثواب و پاداش روزه شریک می‌شوند؟
- ۴ - یکی از بهترین کارهایی که هنگام افطار انجام می‌دهیم چیست؟
- ۵ - پاداش کسی که روزه‌داری را افطار می‌دهد، چیست؟


 جمله‌های زیر را کامل کنید:

- ۱ - ماه رمضان، ماه عبادت، ماه گذشت و _____ است.
- ۲ - سحرهای ماه رمضان بسیار _____ و _____ است.
- ۳ - مسلمانان سحرگاه ماه رمضان نیت روزه می‌کنند و تا مغرب _____
- ۴ - کودکان نیز _____ بیدار می‌شوند.
- ۵ - کودکان سحری می‌خورند و تا ظهر _____ چیزی نمی‌خورند.
- ۶ - هر کس روزه‌داری را مهمان کند _____ خدای بزرگ _____.

درس

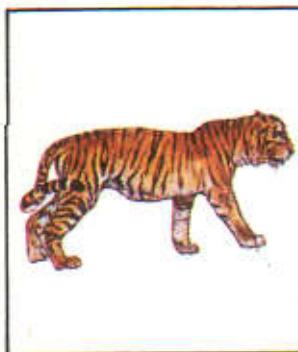
قرآن مجید

به نام خدا

درس اول

۱

۱ - اسم شکل‌های زیر را بنویسید:



۲ - با رنگ قرمز صدای بگذارید و بخوانید.

ا - ب - پ - ت - ث - ج - ح - خ - د - ذ - ر - ز - ژ - س - ش
ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - گ - ل - م - ن - و
ه - ی

۳ - کلمه‌های زیر را بخوانید:

من - تن - بر - زن - صد - گم - بد - سر - زد - به - نم

۴ - نام هر شکل را زیر آن بنویسید و بار نگ قرمز صداگذاری کنید و

سه بار بلند بخوانید:



۵ - کلمه های زیر را بخوانید:

عمل - کرج - طبس - حسن - ورق - طرف - وسط - خطر - قسم - قمر -
قصص - نمک - نظر - ضرر - کمر - سبد - أحد - خبر

۶ - نام هر شکل را زیر آن بنویسید و بار نگ قرمز صداهای آن را

بگذارید و سه بار بلند بخوانید:



۷ - سه کلمه زیر را بخوانید:

حَسْنَك - مَكْسُك - مَلْخُك

تکلیف شب:

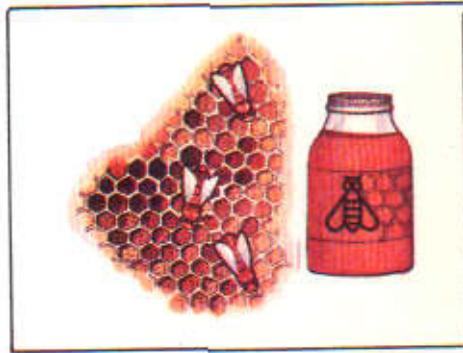
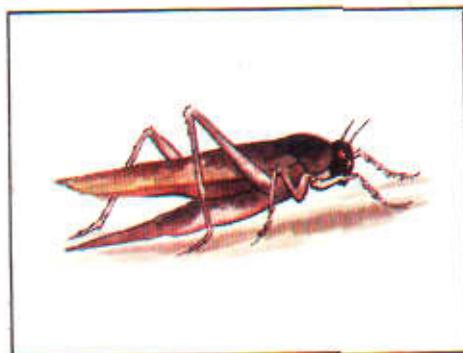
۱ - از روی کلمه‌های زیر بنویسید و صدای ك را با رنگ قرمز بگذارید:

شَب - كَج - هَر - غَم - ثَم - زَر - عَسل - كَلم - أَسْب - دَسْت
أَبْر - قَنْد - سَبْز - مَرْمَر - پَرَپَر - جَنْكَل - سَنْغَر

۲ - کلمه‌های زیر را مانند مثال بخش کنید و بنویسید:

مَلْخ = م + لَخ

عَسل = ع + سَل



= چَمَن

= قَلْم

= عَسل

= حَسْنَك

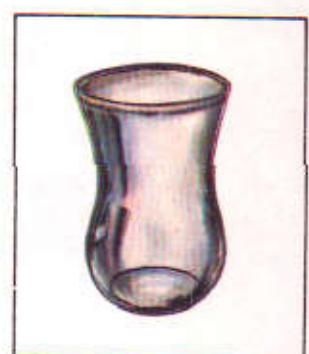
= مَلْخ

= كَلم

درس دوم

۱

۱ - اسم شکل‌های زیر را بنویسید:



- ۲ - با رنگ قرمز صدای بگذارید و بخوانید مثال: ا - ب
ا - ب - پ - ت - ث - ج - چ - ح - خ - د - ذ - ر - ز - ژ - س - ش
ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - گ - ل - م - ن - و - ه
ی
- ۳ - حالا قسمت بالا را با خط زیبای خودتان یک بار بنویسید و با رنگ قرمز صداگذاری کنید.

۴ - در کلمه‌های زیر، صدای ر را بگذارید و آنها را بلند بخوانید:
یک - گل - دل - جت - شن - اسم - علم - مهر - جلد - کشت - زشت
فلفل - تک تک

۵ - کلمه‌های زیر را بخش کنید. مثال: پدر = پ + در
پدر - پسر - ستم - ارم - پخر - پیر - پرش - خشن - الـف - زرنگ -
فسنگ - پزشک - نوشـت - تمـشـک - درـخت.

تکلیف شب:

-
- ۱ - از روی کلمه‌های شماره ۴ یک بار با خط زیبا بنویسید.
 - ۲ - کلمه‌های شماره ۵ را بخش کنید و مانند مثال بنویسید.

درس سوم

۱

۱ - اسم شکل‌های زیر را بنویسید:



- ۲ - با رنگ قرمز صدای **ه** بگذارید و دوبار بلند بخوانید:
ا - ب - پ - ت - ث - ج - چ - ح - خ - د - ذ - ر - ز - ڙ - س - ش
ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - گ - ل - م - ن - و - ه
- ۳ - حالا قسمت بالا را بنویسید و صدای **ه** را با رنگ قرمز بگذارید، تا بهتر یاد بگیرید.

۴ - کلمات زیر را با صدای بلند بخوانید و یک بار بنویسید:

بُر - دُم - پُل - قُم - بُت - شُد - نه - سُرخ - مُرغ - صُبح - گُفت - شُکر -
جُرم - سُرب - فُرم - تُند - گُند



۵ - کلمه‌های زیر را بخش کنید:

مثال: بُلْبُل = بُد + بُل

سُبُل - قُلقل - شُرشر - قُدقد - دُشمن - گُند - دُختر - مُحَمَّم
مُحسِن - مُمکن - سُفره - لُقمه - زُهره - پُشت - خُشک - بُرد - دُرست
درست

تکلیف شب:

۱ - از روی کلمه‌های شماره ۴ یک بار با خط زیبا بنویسید، صداها را با رنگ قرمز بگذارید.

۲ - کلمه‌های شماره ۵ را بخش کنید و سپس مثال بنویسید.

درس چهارم

دانش‌آموز عزیز! خدای مهربان در قرآن می‌فرماید:

«اگر شکر کنید، من نعمت‌هایم را برای شما زیادتر می‌کنم» حالا ما خدارا شکر می‌کنیم که با کمک او توانستیم در راه بادگرفتن قرآن قدم بگذاریم و از او می‌خواهیم که ما را بیشتر کمک کند.

از این درس می‌خواهیم خواندن کلمه‌های قرآن را شروع کنیم.

آیا می‌دانید که الفبای زبان عربی همان الفبای زبان فارسی است؟

با این تفاوت که الفبای زبان عربی چهار حرف هم از فارسی کمتر دارد، آن چهار حرف (ب - ج - ژ - گ) هستند. بهزادی خواهیم دید که بادگرفتن قرآن چه قدر آسان است.

۱ - کلمات زیر را که در قرآن به کار رفته است بخوانید و چه بهتر که

معنی آنها را به خاطر بسپارید:

امر = امر کرد، دستور داد

خلق = خلق کرد، آفرید

کسب = کسب کرد، به دست آورد

۲ - کلمات قرآنی زیر را با صدای بلند سه بار بخوانید و بسینید که خواندن کلمات قرآن چه قدر آسان است.

لَكَ - تَرَ - مَعَ - كَفَرَ - قَتَلَ - جَمِيعَ - حَرَجَ - ظَلْمٌ - عَبْدٌ - صَبَرَ

فَعَلَ - وَلَدٌ - حَسَدَ - فَجَعَلَ - فَنَظَرَ - خَلَقَ - وَقَتَلَ - وَكَفَرَ - فَجَمِيعَ

فُخْرَجَ - ظَلْمَكَ - فَعَدَلَكَ - وَوْجَدَكَ - فَخَلْقَكَ

۳ - کلمه‌های زیر «بخش بخش» نوشته شده است، شما آنها را

بنویسید:

مثال: ح + س + د = حَسَدَ

ض + ر + ب =	ج + ع + ل =	و + ق + ب =
ع + ش + ر =	ز + ظ + ر =	ب + س + ر =
ف + ص + د + ق =		ف + ذ + ه + ب =

۴ - کلمه‌های شماره (۲) را مانند مثال بخش کنید:

مثال: لَكَ = لَ + كَ

۵ - این لغات را که در قرآن به کار رفته، سه بار با صدای بلند بخوانید
و چه بهتر که معنی آنها را هم به خاطر بسپارید:

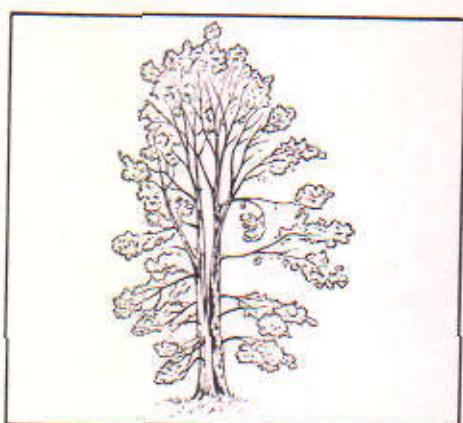
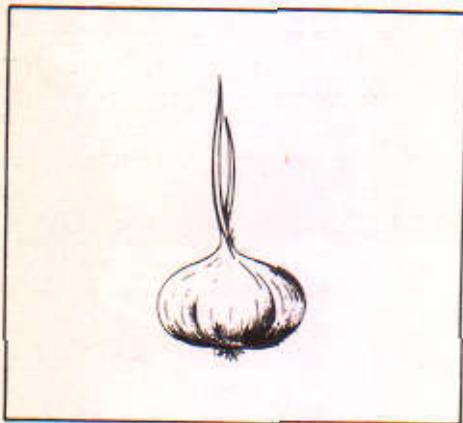
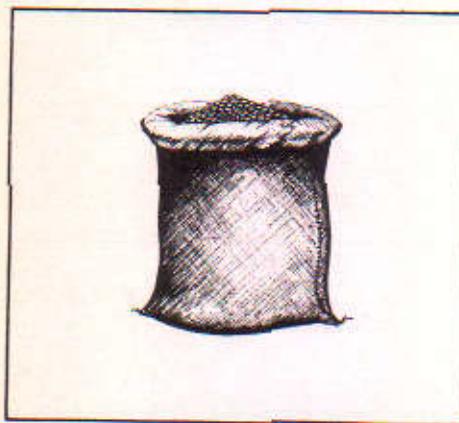
۱ - بَقْرٌ: گاو

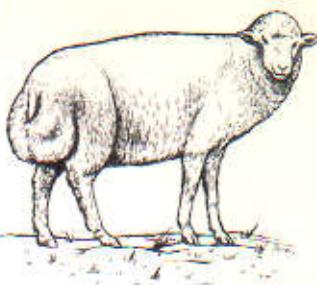
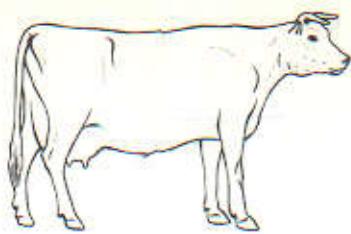
۲ - قَمَرٌ: ماه

۳ - شَجَرٌ: درخت

۴ - غَنَمٌ: گوسفند

۱ - شکلهای زیر را با سلیقه خودتان رنگ آمیزی کنید، و سپس نام قرآنی آنها را بنویسید، حرکت آنها را با رنگ قرمز بگذارید:





۲ - روی تمام حروف کلمه‌های زیر، با رنگ قرمز صدای ب بگذارید و بخوانید و از روی آن یک بار بنویسید:
وقب - جعل - فعل - دفع - حشر - عبس - ضرب - فرض - فخلق
فعقر - و خسف - فبعث - و کتب - فعدلک

۳ - کلمه‌های بالا را مانند مثال زیر بخش کنید و بنویسید:

مثال: وَقَبْ = وَ + قَ + بْ

درس پنجم

دانش آموزان عزیز! در درس گذشته با کلماتی از قرآن آشنایی شدید که در آنها فقط صدای — به کار رفته بود، و حالا در این درس کلمات دیگری از قرآن را یاد می‌گیرید که در آنها صدای — و — وجود دارند، با انجام دادن تمرینهای این درس می‌توانید بسیاری از کلمه‌های قرآنی را به راحتی بخوانید.

۱ — نام قرآنی شکلهای زیر را بلنده بخوانید. چه خوب است که آنها را به

خاطر بسپارید:



قرد =

عنب =

ابل =

۲ — کلمه‌های قرآنی زیر را بخوانید و چه بهتر که معنی آنها را یاد بگیرید:

شنید

يعنى

سمع

گمان کرد

يعنى

حسب

دانست

يعنى

علم

۳ - کلمه‌های زیر را با صدای بلند سه بار بخوانید:
لَمْ - بَسْ - عَمِلَ - عَلَمَ - حَفَظَ - أَذْنَ - شَرَبَ - أَمْنَ - حَسَبَ - رَحْمَ
تَبَعَ - أَفَامِنَ - تَبَعَكَ - فَلَبِثَ

۴ - کلمه‌های زیر را مانند مثال بخش کنید و بنویسید.

مثال: مَلِكٌ = م + ل + ك

أَرْمَ - حِيطَ - سَمَعَ - خَيْرَ - عَمِلَ - بَشَرَ - لَعْلَمَ - بُورَقِ

تکلیف شب:

۱ - فارسی کلمه‌های قرآنی زیر را بنویسید:
أَبْلَ = عَلَمَ = سَمَعَ = عَنْبَ = قَرْدَه

۲ - از روی کلمه‌های شماره (۳) یک بار با خط زیبا بنویسید.

۳ - پنج کلمه از کلمه‌های شماره ۳ را بخش کنید و بنویسید.

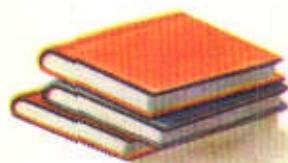
درس ششم

۱

۱ - کلمه‌های زیر را بخوانید و چه بهتر که معنی آنها را به خاطر بسپارید:



سر = تخته



کتب = کتابها

۲ - حالا در کلمات قرآنی زیر برای هر حرف گه حرکتی ندارد، با مداد قرمز صدای **ب**گذارید و سپس آنها را با صدای بلند سه بار بخوانید:
رسل - نَفَرَ - يَطْعِ - خَلَقَ - نَذَرَ - لَهُوَ - نَفْخَ - بَصَرَ - كِتَبَ - جَمْعَ

۳ - کلمه‌های بخش شده زیر را بنویسید:

مثال: ح + ش + ر = حشر

ص + ح + ف = صد = د + ر = داد

ف + ط + ع = ضع = ب + ر = بک

و + ج + ه = وج = ف + ط + ب = فد

۴ - این کلمه‌ها را که در قرآن به کار رفته است، سه بار با صدای بلند بخوانید و چه بهتر که معنی آنها را هم یاد بگیرید:

رُطَب = خرما سُنْبَلَه = خوشة گندم هُدْهُد = شانه بسر

۱ - شکل‌های زیر را با سلیقه خودتان رنگ آمیزی کنید، سپس نام قرآنی آنها را بنویسید:



۲ - کلمه‌های شماره (۴) را با خط زیبا بنویسید. صداها را با رنگ قرمز بگذارید.

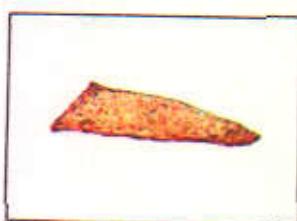
حالا که این پنج درس را تمام کردید، یک بار دیگر آنها را بخوانید و تمرین‌ها را دوباره آنجام دهید. هر چه بیشتر تمرین کنید بهتر یاد می‌گیرید.

قرآن کتاب دینی ما مسلمانان است، به ما درس زندگی و آزادگی می‌دهد، ما باید خواندن قرآن را یاد بگیریم و در فهمیدن آن بکوشیم و به دستورهایش عمل کنیم.

درس هفتم

آ - ا

۱ - نام شکل‌های زیر را بنویسید:



۲ - بخوانید:

آ - با - تا - ثا - جا - حا - خا - دا - ذا - را - زا - سا - شا - صا - ضا

طا - ظا - عا - غا - فا - قا - کا - لا - ما - نا - وا - ها - یا

۳ - شما می‌توانید کلمه‌های زیر را به خوبی بخوانید، حالا امتحان کنید:

آدم - آسمان - آبادی - آبدان - آزادی - آبی - آرام - آشار - بادام - بابا

سارا - حاکم - باطل - خالص - عادل - شاهد - مالک

۴ - حالا کلمه‌های بالا را بادقت بخش کنید.

مثال: آدم = آ + دم بادام = با + دام

در قرآن (آ - ا) را این طور می‌نویستند: **ا**

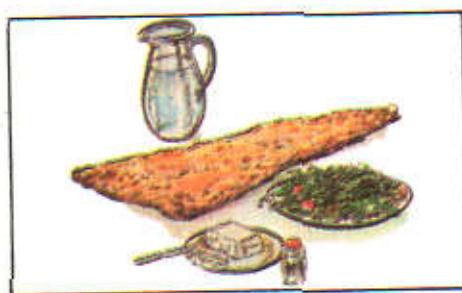
۵ - حالا بخوانید:

آ - با - ثا - نا - جا - حا - خا - دا - ذا - را - زا - سا - شا - صا

ضا - طا - ظا - عا - غا - قا - کا - لا - ما - نا - وا - ها - یا
 ۶ - شماره ۵ را یک بار بنویسید و صدای ا را با رنگ قرمز
 بگذارید.

۷ - با کلمه‌های قرآنی زیر آشنا شوید و چه بهتر که آنها را به خاطر
 بسپارید:

آفریدگار	يعنى	خالق
دانان	يعنى	عالٰم
نادان	يعنى	جاھل



طعام = غذا

نار = آتش

۸ - جاهای خالی را پر کنید. صدایها را فراموش نکنید.

قرآنی	فارسی	قرآنی	فارسی
جامع	جامع	خالق	خالق
ایات	—	—	عالٰم
—	طعام	مالک	مالک

فارسی	قرآنی	فارسی	قرآنی
—	صالح	—	جاہل
قادر	—	ظالم	—

- ۹ - برای شما کلماتی را از قرآن انتخاب کرده‌ایم که به آسانی می‌توانید همه آنها را بخوانید اگر باور ندارید امتحان کنید:
- قال - کان - إذا - آیات - آمن - آفر - نار - ادم - عباد - طعام - مَنافعُ
 اصحاب - آساور - يُضاعِفُ - رعایت‌ها - راه - نَّا - مَاب - رَائِي
 مَاربُ - شَنَانُ - نَمَارقُ - سَلَامُ - عَذَابُ - نَاسٌ - خَافَ

- ۱۰ - اکنون کلمات بالا را بخش کنید (مواظب باشید اشتباه نکنید)
 مثال: نَار = نا + ر طَعَام = ط + عا + م اَدَم = ا + د + م

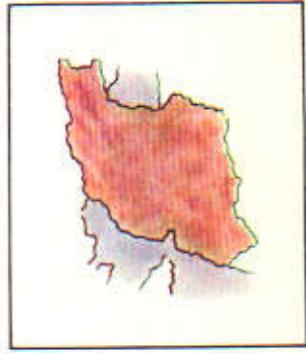
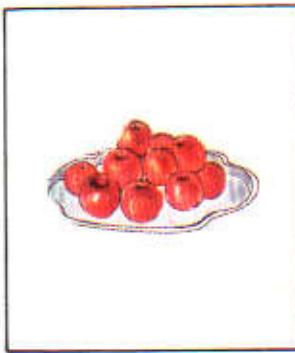
تکلیف شب:

- ۱ - معنی کلمه‌های قرآنی زیر را بنویسید:
- خالق = عالم = جاہل = طعام = نار =
- ۲ - کلمه‌های شماره ۹) را بخش کنید و سپس بنویسید:
 مثال: مَنافعُ = م + نا + ف + مع

درس هشتم

(ای - ی - ی)

۱ - نام هر یک از شکلها را زیر آن بنویسید:



۲ - با صدای بلند بخوانید:

ای - بی - تی - ٹی - جی - حی - خی - دی - ذی - ری - زی - سی
شی - صی - ضی - طی - ظی - عی - غی - فی - قی - کی - لی - می
نی - وی - هی - بی

۳ - آیا می توانید کلمه های زیر را بخوانید؟

(ای) این - ایمان - ایست - ایزد - ایجاد - ایلام
(ی-) سیما - دین - دید - دیر - شیر - تیغ - کیف
(ی) ساری - ایرانی - ماهی - ویرانی - شیرینی

۴ - بباید کلمه های بالا را با هم بخش کنیم:

مثال: این = این ایمان = ای + مان سیما = سی + ما

(ا - ئ - ي)

در قرآن صدای (ا - ئ - ي) را این طور می‌نویسند: (ا - ئ - ي)

۵ - حالا می‌توانید حروف زیر را با صدای ي بخوانید.

اي - بي - تي - ثي - جي - حي - خي - دي - ذي - ري - زي - سي
شى - صى - ضى - طى - ظى - عى - غى - فى - قى - كى - لى
مى - نى - وى - هى - يى

۶ - از روی حروف بالا یک بار بنویسید، صدای ي را بارنگ
قرمز بگذارید.

۷ - با سه کلمه قرآنی زیر آشنا شوید و سعی کنید آنها را یاد بگیرید.

تین = انجیر فيل = فيل ميزان = ترازو

۸ - اسم قرآنی شکلهای زیر را بنویسید:



۹ - برای شما کلماتی را از قرآن انتخاب کرده‌ایم که به‌آسانی می‌توانید.

همه آنها را بخوانید، حالا شروع کنید و از این که می‌توانید قرآن را به این خوبی بخوانید شادمان باشید:

(۱) اِيمَانُ - اِيلَافٌ - اِيمَانُها

(۲) دِينٌ - فِيهِ - حَدِيثٌ - ضَعِيفًا

(۳) فِي - أَبِي - عَمَلٍ - أَرَادَنِي - رُسُلٌ - قَمِصٌ

۱۰ - حالا کلمه‌های بالا را بخش کنید (مواظب باشد، اشتباه نکند)

مثال: اِيمَانُها = اِ + مَا + زُ + هَا

تکلیف شب:

۱ - از روی کلمات قرآنی زیر یک بار بنویسید، فراموش نکنید که با صدای بلند هم بخوانید:

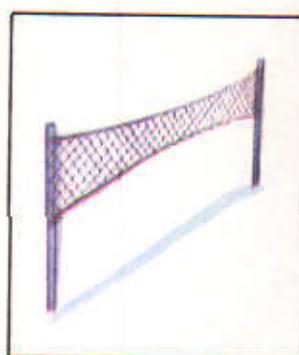
يُمْضِتُ - يُعْبُدُ - أَرَادَنِي - حَفِظَنِ - كَاتِبِنَ - خَالِدِنَ - أَرِنِي - أَكِلِپِنَ
الْهَتِي - اَتَانِي - اِيَّاتِي - اَخْرِيَنَ - اِمْنِيَنَ - اَبَابِيلَ - عِبَادِي - فِيهَا

۲ - کلمه‌های بالا را مانند مثال بخش کنید: يُمْضِتُ = يُ + مِ + ضِ + تُ

درس نهم

«او - و»

۱ - نام هر شکل را زیر آن بنویسید:



۲ - حروف زیر را بخوانید:

او - بو - تو - ثو - جو - حو - خو - دو - ذو - رو - زو - سو - شو
صو - ضو - طو - ظو - عو - غو - فو - قو - کو - لو - مو - نو - دد
هو - یو

۳ - آیا کلمه‌های زیر را می‌توانید بخوانید؟ امتحان کنید:

او - مو - روز - توب - پارو - سوت - دوست - پول - دارو

۴ - کلمه‌های زیر را بخش کنید:

مثال: دیروز = دی + روز

سوسن - غروب - طلوع - نور - روستا - پرستو - جارو - وضو

در قرآن صدای «او - و» را این طور می‌نویسند: «او - و»

۵ - با صدای بلند بخوانید:

اُ - بُو - تُو - شُو - جُو - حُو - خُو - دُو - ذُو - رُو - زُو - سُو - شُو
 صُو - ضُو - طُو - ظُو - عُو - غُو - فُو - قُو - کُو - لُو - مُو - نُو
 وُو - هُو - يُو

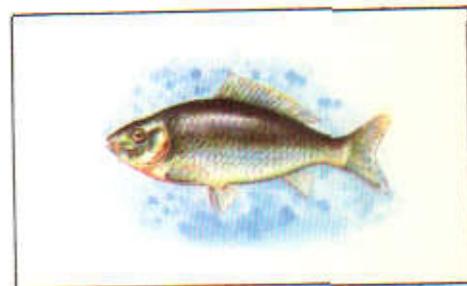
۶ - قسمت بالا را بنویسید و صدای «و» را با رنگ قرمز بگذارید.

۷ - جاهای خالی را پر کنید:

فارسی	قرآنی	فارسی	قرآنی
نور	نُور	نوح	نُوح
غروب	—	رسول	—
—	طُلُوع	سجود	—
قلوب	—	—	رُكُوع
—	خُلُوص	—	قُبُور



نجوم = ستارگان



حوت = ماهی

۸ - کلمه‌های قرآنی زیر را سه بار با صدای بلند بخوانید:

(او) اوٰت - اوٰف - اوٰذِنَا - اوٰتُوه - اوٰتِیتَ

(و) طُور - آعُوذ - يَقُولُ - يَطُوفُ - صُدُورِ - أَقْوَمُ - أَفْوَزَ

قُلُوبُنَا - يُقْبِمُونَ - يَقُولُونَ - يُوقِنُونَ - مُتَنَافِسُونَ

تکلیف شب:

۱ - از روی کلمه‌های بالا یک بار با خط زیبا بنویسید، صدای «و» را با رنگ قرمز بگذارد.

۲ - کلمه‌های بالا را بخش کنید.

مثال: اوٰت = اوٰ + ت طُور = طُور + ر

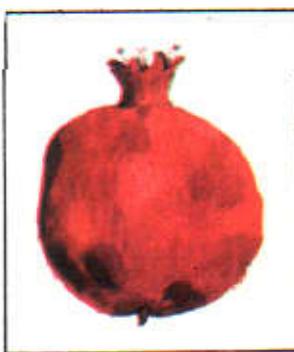
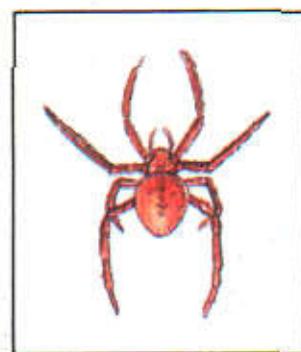
درس دهم

علامت ساکن

۱— نام هر شکل را زیر آن بنویسید و آنها را مانند مثال صدایگذاری

کنید.

مثال: **اسب**, استِکان



۲— در نامهای بالا هر جا که صدا ندارد علامت ساکن بگذارید.

مثال: آسب، استکان

حرفی را که روی آن علامت باشد «ساکن» می‌گوییم.

۳ - برای کلمه‌های زیر صدا و علامت بگذارید:

مثال: گبوتر

ابر - در - ببر - چمن - قلم - ملخ - عسل - کتاب - مداد - اردک

نان - ایران - خروس - ماهی - قوری - بادام - زنبور - درخت

۴ - کلمات بخش شده زیر را مانند مثال بنویسید:

مثال: آب + رو = آبرو

ا + تشن = کبه + رپت = کف = ک + بو + رو =

ل + باس = قر + ان = مشه + غول = سا + عت =

۵ - کلمات زیر را بخش کنید و بنویسید:

مثال: تعطیل = تع + طیل

ناظم - مجید - سعد - دستان - عالم - أصحاب - اذان - صاحب

اطراف - عاقبت - عادل - اسلام - انسان - قران

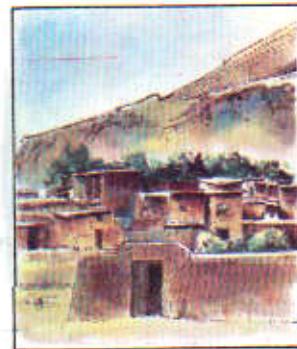
۶ - با توجه به شکل‌های زیر، آیا می‌توانید معنی کلمات قرآنی زیر را بگویید؟



تَخْلِيلٌ =

نَجْمٌ =

شَمْسٌ =



لَيْلٌ =

نَهَارٌ =

أَرْضٌ =

۷ - آیا معنی قرآنی کلمات زیر را می‌دانید؟

درخت خرما =

سَطَارَه =

خُورشِيد =

شب =

رَوْز =

زَمِين =

۸ - حالا کلمات قرآنی زیر را بخوانید و سپس آنها را بخش کنید، بینید

چه قدر خوب می‌خوانید:

مَنْ - إِنْ - قُلْ - كُمْ - مِنْ - هَلْ - بَابْ - لَكُمْ - بِهِمْ - جِهَادْ - ثَوَابْ
أَنْتُمْ - أَيْنَ - تَقْوِيمْ - مِثْقَالْ - أَعْبُدْ - عَلَيْهِمْ - لَمْ يَلِدْ - لَمْ يُولَدْ - تَعْلَمُونَ
يُوسُوسْ - اِيلَافِهِمْ

توجه: آیا می‌دانید که علامت ساکن را به این شکل --- هم می‌نویسند؟

تکلیف شب:

۱ - کلمات قرآنی زیر را سه بار بلند بخوانید و با خط زیبای خود یک

بار بنویسید، صدا و علامت را با رنگ قرمز بگذارید.

أَبْ - يَدْ - أَجْرُ - رِزْقٌ - نِعْمَةٌ - غَيْرٌ - كَيْدَهُمْ - تَرْمِيْهِمْ - الَّمَ نَشَرَحْ

۲ - کلمه‌های بخش شده زیر را بنویسید و بلند بخوانید:

لَيْهُ + سَ = أَزْ + تَ = أَعْ + مُ =

إِ + مَامُ = تَحْ + تَرْ + هَا = دَوْ + قُ + لَتْ =

يَعْ + مَلْ = أَطْ + عَ + مَهْ + هُمْ =

بَخْ + سَ + بُ = أَرْ + أَيْ + تَ =

۳ - آیا معنی این کلمات را می‌دانید؟

۳ - نَخْلٌ =

۲ - نَجْمٌ =

۱ - شَمْسٌ =

۶ - لَيْلٌ =

۵ - أَرْضٌ =

۴ - نَهَارٌ =

تا کنون ده درس خوانده‌اید، هر چه بیشتر تمرین کنید خوبتریاد می‌گیرید.
آیا دوست دارید به درس اوّل بازگردید و درسها را با دقّت دوره کنید؟
آیا می‌خواهید بدانید که چه قدر از قرآن را یاد گرفته‌اید؟
تا کنون با صدای ای و (ا-ی و) و علامت ساکن آشنایی شده‌اید
و هزاران کلمه قرآنی را می‌توانید به راحتی بخوانید. خوب است که برای این
همه موقّیت خدا را شکر کنید.

حالا خود را بیازمایید. برای هر عبارت که درست می‌خوانید یک نمره به
خود بدهید، ببینید نمره شما چند می‌شود؟ حتماً نمره خوبی خواهید گرفت.

۱ - مَالِكٌ

۲ - نَعْبُدُ

۳ - نَسْتَعِينُ

۴ - صَرَاطٌ

۵ - أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

۶ - وَلَمْ يُكُنْ

٧ - بِحَمْدِهِ

٨ - لِمَنْ حَمَدَهُ

٩ - اشْهَدُ

١٠ - الْحَمْدُ

١١ - لَا شَرِيكَ لَهُ

١٢ - وَاتُوْبُ إِلَيْهِ

١٣ - لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ

١٤ - وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ

١٥ - إِنَّمَا يَجْعَلُ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ

١٦ - إِنَّمَا نَسْرَحُ لَكَ صَدَرَكَ

١٧ - وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ

١٨ - وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ

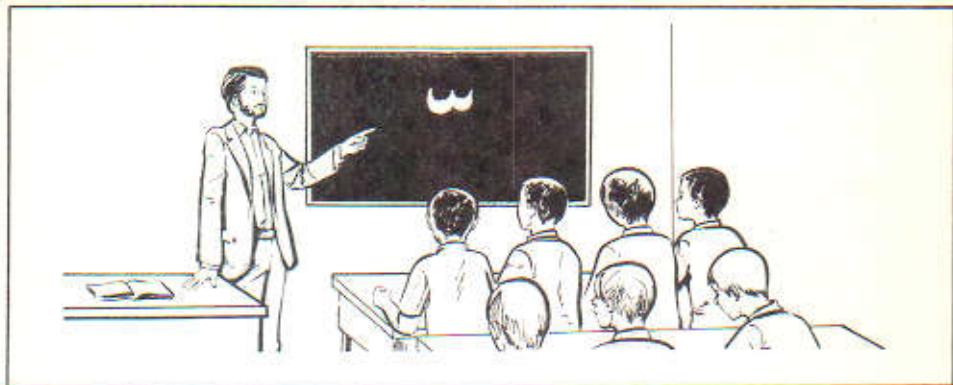
١٩ - لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ

٢٠ - بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ

نَعْرَةُ شَمَاءٍ

درس یازدهم

علامت تشدید



معلم

کلمه بالا را بخوانید، آیا می دانید که این طور بخش می شود: **معلم** = **م** + **عَلْم**

بَنَا	←	بَنَا
نَجَار	←	نَجَار
نَقَاش	←	نَقَاش

۱ - کلمه های زیر را بخوانید:

اُول - قصه - ذُرَت - مُدَث - نَجَار - حَمَام - آيَام - مُربا - ذَرَه - قَصَاب

صَيَاد - عَكَاس - ذَرَاث - مُعلم - ثُرَيَا - اِتفاق - فَنادِي - زَرافَه

مَجَلَه - مَحَلَه - مُوقَّع

۲ - آیا می توانید کلمه های شماره ۱۱ را بخش کنید؟

مثال: **ذُرَتْ** = **ذُرْ + رَتْ** قصه = قصه + صه

۳ - کلمه های بخش شده زیر را بنویسید:

مثال: **ذَرْ + رَأْتْ** = **ذَرَأْتْ**

= **بَدْ + نَا** = **يَامْ + يَامْ**

= **نَجْ + جَارْ** = **حَمْ + مَامْ**

= **لَمْ + رَقْ + قِيْ** = **مْ + هَأْ + لَمْ**

۴ - کلمات بالا را چگونه نوشته اید؟ در هر یک از کلمات، چه حرفی را

نوشته اید و به جایش علامت تشدید گذاشتید؟

۵ - کلمه های قرآنی زیر را حتماً می توانید بخوانید، اگر باور ندارید

امتحان کنید:

إِنْ - إِلَّا - كَلَّا - شَرْ - حَجَّ - رَبَّنَا - فَامْا - مِمْا - إِنْمَا - بِرَبِّ - فَصِلِّ

عَلَمْ - حُصِّلَ - جَنَّاتٍ - جَبَّارٌ - جَهَنَّمْ

دیدید قرآن خواندن چه قدر برای شما آسان شده است؟

۶ - کلمه های بالا را بخش کنید و مانند مثال بنویسید.

مثال: **شَرْ** = **شَرْ + رِ** **بِرَبِّ** = **بِ + رَبْ + بِ**

۷ - آیا می توانید بگویید که در کلمه های شماره ۵ کدام حرف را

نوشته ایم و به جای آن علامت تشدید گذارده ایم؟

مثال: شَرَب (رب)

۸ - هر یک از این کلمات را زیر شکل مناسب بنویسید.

باغ = حَيَّه مار = دَانَه اثار = رُمَانْ



۹ - نام قرآنی کلمات زیر را جلوی آنها بنویسید:

باغ = دَانَه مار = رُمَانْ اثار = حَيَّه

تکلیف شب:

۱ - از روی کلمه های زیر یک بار با خط زیبا بنویسید و آنها را بخوانید.

ثُمَّ - أَمَّا - كُلِّ - لَمَّا - رَبُّكَ - يَتَّبِعُ - سَيِّحَ - بَشَرٌ - الَّذِينَ - كُلُّمَا - إِنَّهَا

يُعذَبُ - جَنَّتِي - فَذِكْرٌ - لَعْلٌ - أَلْتَى - فَضْلٌ - كَذَبٌ

۲ - کلمه‌های بالا را بخشن کرده و بنویسید.

مثال: ثُمَّ = ثُ + مَ كَذَبٌ = كَذْ + ذَ + بَ

۳ - کلمه‌های زیر را با صدای بلند بخوانید و حرفی را که به جایش

علامت تشديد گذاشته ايم مانند مثال بنویسید:

مثال: لِكُلَّ (ل) تَحَاضُّونَ (ض)

(ل) لَعْبٌ	(حُصْلٌ) حُصْلٌ	(فَصْبٌ) فَصْبٌ
(اشَدُ) اشَدُ	(بُشَرٌ) بُشَرٌ	(غَرَّكٌ) غَرَّكٌ
(يُكَذِّبُ) يُكَذِّبُ	(فَكَرٌ) فَكَرٌ	(فَجْرَتٌ) فَجْرَتٌ
(تَشَخِّذُ) تَشَخِّذُ	(الَّذِينَ هُمْ) الَّذِينَ هُمْ	(تَفْسَ) تَفْسَ
(تُجْبِرُونَ) تُجْبِرُونَ	(لِلْمُتَقْبِلِينَ) لِلْمُتَقْبِلِينَ	(لِلَّذِينَ) لِلَّذِينَ
(عَلَمَ) عَلَمَ	(تَطَلَّعٌ) تَطَلَّعٌ	(يَذَّكَّرُونَ) يَذَّكَّرُونَ

درس دوازدهم



خواندن

خوابیدن

کلمات بالا را بخوانید، کدام حرف آنها خوانده نمی شود؟ ()

۱ - کلمات زیر را بخوانید و به حرفی که خوانده نمی شود، توجه کنید:
خویش - خواهر - خواستن - خویشتن - خواربار - خواستار - خوار استخوان - خواندنی - خواب - خواستم.

۲ - حالا کلمه های زیر را بخوانید (به حروف آبی رنگ توجه کنید).

(و) حَيْوَانًا - صَلَوةً - زَكُوهًَ - مِشكُونَةً*

(ا) أَنَا - أَمْنُوا - وَأَنْحَرَ - وَالفَتْحُ - بِالْحَقِّ - فَلَيَعْبُدُوا

(ل) الْشَّمْسُ - الْسَّمَاءُ - الْنَّارِ - الْنَّجْمُ - الْرِّجَالُ - الْطَّلاقُ

(ى) إِلَى - بَلَى - مَتَى - هُدَى - عَلَى - مُوسَى - عَيْسَى - تَضَلى

* ت = ت = ة = ة

۳ - کلمه‌های قرآنی زیر را بخوانید و حروفی را که خوانده نمی‌شوند

مانند مثال بنویسید:

مثال: **بِالَّذِينَ** (ا - ل)

بِالَّذِينَ (ا - ل) يَضْلُى النَّارُ (ا - ل)

وَالسَّقْفُ (ا - ل) ذُو الْقُربَى (ا - ل)

فِي السَّمَاءِ (ا - ل) وَاتَّقُوا اللَّهُ (ا - ل)

عَلَى الْذِينَ (ا - ل) ذُو الْجَلَالِ (ا - ل)

مَا الْقَارِعَةُ (ا - ل) ذُو الْعَرْشِ (ا - ل)

كَالْفَرَاسِ (ا - ل) وَالرُّوحُ (ا - ل)

لَهُ الدِّينُ (ا - ل) أَقِيمُوا الصَّلَاةَ (ا - ل)

بِالصَّابِرِ (ا - ل) اتُوا الزَّكُوْةَ (ا - ل)

۴ - کلمه‌های بالا را مانند مثال بخش کنید.

مثال: **بِالَّذِينَ** = بد + د پ + ن

۵ - این کلمه را به دقت بخوانید «**كَفَرُوا السُّفْلَى**» حروفی را که خوانده

نمی‌شوند به ترتیب بنویسید (ا - ل - ا - ل - ا - ل)

حالا به تعریف شماره (۳) نگاه کنید و بگویید چه حرفهایی خوانده نمی‌شوند؟

توجه: فقط چهار حرف (و - ا - ل - ا) اگر صدا یا علامت نداشته

باشند خوانده نمی‌شوند.

درس سیزدهم

خدا را شکر می‌کنیم که می‌توانیم بسیاری از کلمات قرآن را بخوانیم.
دوست دارید امتحان کنید؟ سوره حمد را بخوانید و بنویسید. فراموش نکنید که
صدایها و علامتها را با رنگ قرمز بگذارید. آیا این سوره را حفظ هستید؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ *
مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ
نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ *

درس چهاردهم

این سوره را با دقّت سه بار بخوانید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ
النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَاسِ *
الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ
وَالنَّاسِ *

برای این که این سوره را خوبتر یاد بگیرید، با دقّت کامل، یک بار با خط
زیبا پنویسید و سپس حفظ کنید.

درس پانزدهم

علامت تنوین



مثال = م + ة + ن

۱ - آیا می‌توانید کلمات زیر را بخوانید؟

مثال - اتفاقاً - آبدًا - أولاً - أصلًا - عَمْدًا - قبلًا - بعْدًا

۲ - حالا این کلمات را حتماً می‌توانید بخوانید:

کتاباً - ناراً - أحداً - محمدًا - رسولًا - قرآنًا - امامًا - خيرًا

چگونه خوانید؟ آیا این طور خوانید؟ کتاباً

کتاباً = کتاباً أحداً = أحداً رسول = رسول اماماً = اماماً

ناراً = ناراً محمدًا = محمدًا قرآن = قرآن خيرًا = خيرًا

دقّت کنید:

همیشه به جای علامت تنوین «ن» می‌خوانیم

۳ - حالا به خوبی می‌توانید کلمات قرآنی زیر را بخوانید و بخش کنید:

مثال: ناراً = نا + راً

طيرًا - مالاً - جمِعاً - صبحةً - شرًا - فَذحًا - ضَبْحًا - نَقْعًا - أَشْتَاتًا



کِتَاب = کِتابِنْ

۴ — آیا می توانید کلمات زیر را درست بخوانید؟
کِتَاب — نَارٍ — أَحَدٌ — مُحَمَّدٌ — رَسُولٌ — قُرْآنٌ — إِمامٌ — حَيْرٌ
 چگونه خوانید؟ آیا این طور خوانید؟ **کِتابِنْ**

کِتَاب = کِتابِنْ نَارٍ = نارِنْ أَحَدٌ = آحدِنْ مُحَمَّدٌ = مُhammadِنْ
 رَسُولٌ = رسُولِنْ قُرْآنٌ = قُرآنِنْ إِمامٌ = إمامِنْ حَيْرٌ = حَيْرِنْ

۵ — حالا به خوبی می توانید کلمات قرآنی زیر را بخوانید و بخش کنید:

مثال: حَاسِدٌ = حَا + سِد + دِنْ

أَمْرٌ — مَسَدٌ — لَهَبٌ — غَاسِقٌ — قُرَيْشٌ — جَوْعٌ — كَعَضْفٌ — سَجِيلٌ
تَضْلِيلٌ

۶ — به این علامت توجه کنید:



کِتَاب = کِتابِنْ

حالا **حتماً** می توانید کلمات زیر را به راحتی بخوانید:

کِتَاب — نَارٌ — أَحَدٌ — مُحَمَّدٌ — رَسُولٌ — قُرْآنٌ — إِمامٌ — حَيْرٌ

چگونه خواندید؟ آیا این طور خواندید؟ کتاب

کتاب = کتاب نار = نار آحد = آحد مُحَمَّد = مُحَمَّد

رسول = رسول قرآن = قرآن امام = امام حیر = حیر

۷ - اگر خوب دقت کرده باشید، کلمات قرآنی زیر را می‌توانید کاملا درست بخوانید و بخش کنید:

مثال: آحد = آ + ح + دن

سلام - طعام - عاید - حبل - عین - شهید - خبر - لکنود - آنواب

۸ - به این کلمه‌ها و چگونگی خواندن آنها توجه کنید:

کتاب = کتاب هدی = هدی مغفرة = مغفرة سواء = سواء

آیا می‌دانید که: تنوین را به این شکل‌ها هم می‌نویسند و و؟

تکلیف شب:

۱ - کلمات قرآنی زیر را بخوانید و بنویسید:

پسر - توابا - افواجا - رویدا - سراجا - وهاجا - تجاجا - عظاما - خیر
فضل - لنفس - عظیم - شیطان - رجیم - مطاع - صحف - کاذبة
مرقوم - حل - فویل - کتب - کادح - اطعم - سور - نذیر - واحدة

۲ — آیا می‌توانید این کلمات را با دقّت بخش کنید؟ بخش کنید و

بنویسید.

جزاء	واجهة	مغفرة	سدی	صفا
عطاء	ماء	نخرة	هدی	کذاباً
سواء	مساء	فاکهة	طوى	مفازاً
			فني	پيپما

تا کنون پانزده درس خوانده اید، آیا دوست دارید برای این که بهتر یاد بگیرید، درسها را با دقّت دوره کنید و همه تمرینها را هم دوباره انجام دهید؟

درس شانزدهم

بخوانید و سپس حفظ کنید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ
وَلَمْ يُوْلَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ *

این سوره را اینجا بنویسید، حرکتها را با رنگ قرمز بگذارید:

درس هفدهم

سوره زير را بخوانيد و سپس در همين صفحه بنويسيد و حفظ کنيد، از رنگ قرمز هم استفاده کنيد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا
بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّابَرِ *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ *
وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَمِنْ شَرِّ النَّفَاثَاتِ
فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ
 يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ
 رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ رَبِّكَ أَنَّهُ كَانَ تَوَابًا *

سورة بالا وسورة زير را با دقت بخوانید، سپس بنویسید و آن گاه حفظ کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوَافِرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْهَرْ *
 إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ إِلَّا بَرْ *

درس بیستم

سوره زیر را بادقت بخوانید و سپس بنویسید و حفظ کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنزَلْنَاكَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرِيكَ مَا لِيَلَةُ
 الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ *
 تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ
 كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ *

به شما تبریک می‌گوییم که توانستید این درسها را تمام کنید، پیروز و شادمان باشید، تاکنون بیست درس خوانده‌اید و می‌توانید بادقت و توجه‌بیشتر قرآن را درست بخوانید. برای این که بهتر و دقیق‌تر یاد بگیرید، چه خوب است که یک بار دیگر همه درسها را دوره کنید و تمرینها را هم بادقت تمام انجام دهید.

قرآن صبحگاهی و مسابقات قرآن
(ویژه امور تربیتی)

دانشآموزان عزیز:

اکنون که به یاری خداوند با قرآن مجید آشنا شده‌اید و ارزش و اهمیت آموختن قرآن و سپس عمل کردن به آن را می‌دانید، چه بهتر که با علاقمندی بیشتر در این راه بکوشید تا بهره‌های فراوان‌تر از این گنجینه بزرگ الهی ببرید. از این‌رو با شرکت فعال در برنامه قرآن صبحگاهی و مسابقات قرآن علاقمندی هرچه بیشتر خود را به قرآن مجید نشان دهید و آمادگی بهتر برای استفاده از این کتاب مقدس و ارزشمند را بدست آورید.

اکنون برای آشنائی بیشتر با این برنامه، جدول زیر را نگاه کنید. در این جدول با آیات و احادیثی که باید بیاموزید و مطالبی که باید به خاطر بسپارید و حفظ کنید و امتیازات آنها برای مسابقات آشنا می‌شوید. برای آگاهی بیشتر می‌توانید به مربّی پرورشی و ستاد قرآن در مدرسه خود مراجعه کنید.

جدول امتیازات مواد آموزش و مسابقات قرآن گروههای «ق» کلاس سوم - «ر» کلاس چهارم «الف» کلاس بنجم ابتدائی

مواد	توضیحات	مجموع
قرائت	صحت قرائت کتاب قرآن درسی	۱۰۰
	صوت و لحن	۱۵۰
	قرائت و ترجمه نماز	۱۰۰
حفظ و مقاہیم	حفظ شعارهای هفته با ترجمه	۱۰۰
	حفظ سوره‌های کتاب قرآن درسی	۲۰۰
اخلاق و رفتار	اخلاق و رفتار در منزل و مدرسه	۱۵۰

در صفحات بعد اذان و نماز و ترجمه آنها و نیز احادیث و شعارهای هفته در اختیار شما گذاشته می‌شود تا انشاء الله با آمادگی کامل در هفتة قرآن در مسابقات شرکت کنید و امتیازات خوبی بدست آورید. امیدواریم که شاگرد شایسته قرآن و اسلام باشید و توجه کنید که «برتری قرآن بر دیگر کتابها چون برتری خالق است بر مخلوق و احترام به قرآن، احترام به خدا و پیامبر است». برای آیات و سوره‌های تعیین شده می‌توانید از سوره‌های همین کتاب و نیز قرآن‌های موجود استفاده کنید.

نماز و ترجمه آن
 ﴿ اذان و اقامه ﴾

اقامه	اذان
۲ بار	۴ بار
	الله أكْبَرُ
	خدا بزرگتر از آن است که وصف شود.
۲ بار	۲ بار
	أشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
	گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست.
۲ بار	۲ بار
	أشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
	گواهی می دهم محمد (ص) پیامبر و فرستاده خدادست.
۲ بار	۲ بار
	أشْهَدُ أَنَّ عَلَيْنَا وَلِيُّ اللَّهِ
	گواهی می دهم علی (ع) ولی خدادست.
۲ بار	۲ بار
	حَيٌّ عَلَى الصَّلَاةِ
	بشتاب بسوی نماز.
۲ بار	۲ بار
	حَيٌّ عَلَى الْفَلَاحِ
	بشتاب بسوی رستگاری.
۲ بار	۲ بار
	حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ
	بشتاب بسوی بهترین عمل.
۲ بار	نمی خوانیم
	قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ
	همانا نماز برپا شد.

۲ بار

الله أَكْبَرُ

۲ بار

خدا بزرگتر از آن است که وصف شود.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ

۱ بار

۲ بار

نیست خدائی جز خدائی یگانه.

﴿ قرائت ﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخششندۀ مهربان.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سپاس مخصوص خدائی است که پروردگار جهانیان است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

که بخششندۀ و مهربان است.

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

صاحب اختیار روز جزا و قیامت است.

إِنَّا نَعْبُدُ وَإِنَّا نَسْتَعِينُ

تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم.

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

ما را به راه راست هدایت فرما.

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

راه کسانیکه به ایشان نعمت داده ای

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

نه کسانیکه بر آنان غَضَبْ کردۀ ای و نه گمراهن.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخششندۀ مهربان.

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

بگو خدا یکتاست.

اللَّهُ الصَّمَدُ

خدا از هرچیز و هر کس بی نیاز است.

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ

نزائیده و زائیده نشده است.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ

هیچکس همتای او نیست.

﴿ ذکر رکوع ﴾

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ

پاک و منزه است پروردگار بزرگ من و او را ستایش می کنم.

﴿ ذکر سجود ﴾

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ

منزه است پروردگار بلند مرتبه من و من او را ستایش می کنم.

﴿ قنوت ﴾

رَبَّنَا أَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَنَا عَذَابَ النَّارِ
پروردگارا در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش
محفوظ بدار.

﴿ ذکر بعد از رکوع ﴾

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ
خدا ستایش کسی که او را می‌ستاید می‌شنود.

﴿ ذکر هنگام برخاستن ﴾

بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ
به حول و قوه خداوند بر می‌خیزم و می‌نشینم.

﴿ تسبیحات اربعه ﴾

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
پاک و منزه است خدا و ستایش مخصوص خداست.
وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
و خدایی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگتر است

﴿ تَشَهُّد ﴾

أَشْهُدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست.

وَحْدَةُ لَا شَرِيكَ لَهُ

یکتاست و شریکی ندارد.

وَأَشْهُدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

و گواهی می دهم که محمد (ص) بندۀ او و فرستاده اوست.

اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدایا بر محمد (ص) و آل او درود و رحمت بفرست.

﴿ سلام ﴾

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکتهای خدا بر تو باد.

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ

سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

سلام بر شما و رحمت و برکتهای خدا بر شما باد

﴿ برنامه هفتگی قرآن صبحگاهی دوره ابتدائی ﴾

هفته اول

قرائت: سوره حمد و سوره توحید

شعار هفته: جهاد

تَوَابُ الْجِهادِ أَعْظَمُ الشَّوَّابِ

ترجمه: پاداش جهاد در راه خدا بالاترین پاداش است.

امام علی (علیہ السلام) (غُررُ الحکم)



هفته دوم

قرائت: سوره مسد و سوره ماعون

شعار هفته: احترام و مقام معلم

تَوَاضَّعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ

ترجمه: به کسی که علم از او می آموزید احترام کنید.

امام صادق (علیہ السلام) (بحار الانوار)



هفته سوم

قرائت: سوره هُمَزَه

شعار هفته: دوست یابی

مَنْ أَحَبَّكَ نَهَاكَ

ترجمه: کسی که تو را دوست می دارد، ترا از کار زشت باز می دارد.

امام علی (علیہ السلام) (غُررُ الحکم)

هفتة چهارم

قرائت: سوره قارعه

شعار هفتة: احترام به پدر و مادر

بِرُّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٌ

ترجمه: نیکی به پدر و مادر از بزرگترین واجبات است.

امام علی (علیه السلام) (غرض الحكم)



هفتة پنجم

قرائت: سوره حلقه آیات ۱۰ تا ۱۵

شعار هفتة: سلام

يُسَلِّمُ الصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ

ترجمه: همواره کوچکتر به بزرگتر سلام کند.

امام صادق (علیه السلام) (اصول کافی)



هفتة ششم

قرائت: سوره ناس و سوره عصر

شعار هفتة: ناس زاگویی

أَلْفُخْشُ وَالْتَّفْخُشُ لَيْسَا مِنَ الْإِسْلَامِ

ترجمه: ناس زاگویی در اسلام نیست.

امام علی (علیه السلام) (غرض الحكم)

هفتة هفتم

قرائت: سورة عادیات

شعار هفته: نماز

فَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ تَثْرِيْهَا مِنَ الْكِبْرِ

ترجمه: خداوند نماز را برای دوری از تکبر و غرور واجب کرد.

حضرت فاطمه (علیها السلام) (بحار الانوار)



هفتة هشتم

قرائت: آیات ۱ تا ۵ سوره بینه

شعار هفته: خوش اخلاقی

الْخُلُقُ الْحَسَنُ نِصْفُ الدِّينِ

ترجمه: اخلاق نیکو نصف دین است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآلہ وسلم) (بحار الانوار)



هفتة نهم

قرائت: آیات ۶ تا ۸ سوره بینه

شعار هفته: پر خوری

مَنْ قَلَ طَعَامُهُ قَلَ الْأُمُّ

ترجمه: هر کس غذایش کمتر باشد دردها و ناراحتیهایش نیز کمتر است.

امام علی (علیه السلام) (غیر الحكم)

هفتة دهم

قرائت: سورة نكاثر و سورة تين

شعار هفتة: اذيت و آزار

الآذى يَجْلِبُ الْقِلْيَ

ترجمه: اذيت و آزار دشمنی را زیاد می کند.

امام على (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (غیر الحكم)



هفتة یازدهم

قرائت: سورة ضحى

شعار هفتة: شجاعت

أَفَهُ الشَّجَاعَةُ أَلْبَغُ

ترجمه: ستم و سرکشی شجاعت را از بین می برد.

بیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) (نهج الفصاحه)



هفتةدوازدهم

قرائت: آیات ۱ تا ۱۱ سوره لیل

شعار هفتة: اسراف

الإِسْرَافُ يُفْنِي الْجَزَيلَ

ترجمه: اسراف و زیاده روی بخشش را از بین می برد.

امام على (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (غیر الحكم)

هفتة سیزدهم

قرائت: آیات ۱۲ تا ۲۱ سوره لیل

شعار هفته: احسان و نیکی

مَنْ كَثُرَ أَخْسَانُهُ أَجَبَهُ أَخْوَانُهُ

ترجمه: کسی که کار نیکش زیاد شود دوستان و برادرانش او را دوست می دارند.

امام علی (علیه السلام) (غیر الحکم)



هفتة چهاردهم

قرائت: سوره قدر و فلق

شعار هفته: حسد

الْحَسَدُ يُذِيبُ الْجَسَدَ

ترجمه: حسادت جسم انسان را ذوب و نابود می کند.

امام علی (علیه السلام) (غیر الحکم)



هفتة پانزدهم

قرائت: سوره شمس

شعار هفته: مساوک کردن

مِنْ أَخْلَاقِ الْأَئْبِيَاءِ السَّوَاكُ

ترجمه: یکی از اخلاق پیامبران مساوک زدن است.

امام صادق (علیه السلام) (پھار الانوار)

هفتة شانزدهم

قرائت: سورة فیل و قریش

شعار هفتة: صبر

إِنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّابِرِ

ترجمه: پیروزی همراه با صبر است.

بیامبر اکرم (صلی الله علیہ و آله و سلم) (بحارالاتوار)



هفتة هفدهم

قرائت: آیات ۱ تا ۱۰ سوره بلد

شعار هفتة: راستگویی

مَنْ صَدَقَ نَجَى

ترجمه: هر کس راست گوید نجات می یابد.

امام علی (علیه السلام) (بحارالاتوار)



هفتة هیجدهم

قرائت: آیات ۱۱ تا ۲۰ سوره بلد

شعار هفتة: عیب جویی

غِطَاءُ الْعُيُوبِ الْعَقْلُ

ترجمه: عیب پوشی نشانه عقل و خرد است.

امام علی (علیه السلام) (غیرالحكم)

هفتة نوزدهم

قرائت: آیات ۱ تا ۱۵ سوره فجر

شعار هفتة: قرآن

زَيْنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ

ترجمه: قرآن را (بهنگام خواندن) با صدای خود زینت دهید.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآلہ وسلم) (بحار الانوار)



هفتة بیستم

قرائت: آیات ۱۶ تا ۳۰ سوره فجر

شعار هفتة: ادب

أَفْضَلُ الشَّرَفِ الْأَدَبُ

ترجمه: ادب بهترین بزرگواری و شرف است.

امام علی (علیہ السلام) (غیر الحکم)



هفتة بیست و یکم

قرائت: سوره نصر و کافرون

شعار هفتة: امانتداری

إِنَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ

ترجمه: از (خشم) خدا بررسید و امانتدار باشید.

امام صادق (علیہ السلام) (بحار الانوار)

هفتة بیست و دوم

قرائت: سوره انشراح و کوثر

شعار هفته: دعاء

الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ

ترجمه: دعا کلیدهای رستگاری و خوبشخنی است.

امام علی (علیہ السلام) (غیر الحکم)



هفتة بیست و سوم

قرائت: سوره زلزال

شعار هفته: نظافت

الاسلامُ نَظِيفٌ فَتَنَظَّفُوا

ترجمه: اسلام پاکیزه است شما هم پاکیزه باشید.

بیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) (نهج الفصاحه)



هفتة بیست و چهارم

قرائت: آیة الكرسى

شعار هفته: عهد و پیمان

حُسْنُ الْعَهْدِ مِنَ الْآِيمَانِ

ترجمه: خوش قولی و رعایت عهد و پیمان از توانههای ایمان است.

بیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) (بحار الانوار)